



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه‌شنبه (۲۶) بهمن ماه ۱۳۵۰

فهرست مطالب:

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
- ۲ - تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای دکتر بطحائی معاون وزارت آموزش و پرورش .
- ۳ - ادامه بحث در کلیات گزارش مجلس شورای کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۵۱ کل کشور
- ۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت چهار بعد از ظهر بر ریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

وسایر دستگاهها احتیاج به تغییراتی پیدا کرده لایحه‌ای تهیه شده که برای بررسی و تصویب تقدیم میکنم  
رئیس - لایحه به کمیسیونهای مربوط ارجاع میشود

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان:

دکتر خطیبی - دکتر غنی سجادی - عبدالحسین آموزگار - مهندس اردلان - دکتر برومند - دکتر حبیب بهبهانی - زرین پور - شیخ بهائی - صائب - مجد - مهندس سهم‌الدینی .

غائبین مریض - آقایان:

دکتر متین - مهندس عباس اهدی - ضیاء احمدی خانم دکتر دولتشاهی - فروتن - دکتر یگانگی - دکتر مدنی - حیدری .

۲ - تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای دکتر بطحائی معاون وزارت آموزش و پرورش

رئیس - وارد دستور میشود آقای دکتر بطحائی بفرمائید .

دکتر بطحائی (معاون وزارت آموزش و پرورش) با اجازه مقام معظم ریاست چون بعضی از مواد قانون خدمات اجتماعی زنان مقنن تیرماه ۴۷ بمنظور توسعه فعالیت‌های بانوانی که در این برنامه شرکت می‌کنند

۳ - ادامه بحث در کلیات گزارش شورای کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۵۱ کل کشور  
رئیس - کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۵۱ کل کشور مطرح است آقای جوانشیر فرمایشی دارید؟

جوانشیر - بنده اگر اجازه بفرمائید بعنوان اخطار نظامنامه‌ای هفت، هشت دقیقه مطالبی بعرض برسانم .  
رئیس - مطلبی نبود که توضیح بدهید اجازه بدهید در يك فرصت دیگر ، آقای زهتاب فرد بفرمائید .

زهتاب فرد - با کسب اجازه از مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی ، در این فاصله دوسه ساعتی که تا این جلسه داشتیم دوستان پارلمانی مرا توصیه کردند که يك کمی مثل اینکه باصطلاح تند و عصبانی و بعبارت خود آنها شون مجلس را آن چنان که باید و شاید خدای نکرده شاید مراعات نکرده باشم اگر چنین بود من معذرت میخواهم قصد این نبود که نسبت

بهمکاران اکثریتمان در عرایض کتبی داده بشود و اگر چنانچه گاهی ملاحظاتی برخلاف سلیقه خودتان از زبان بنده میشنید بدانید مطالب توأم با حسن نیت است و هیچگاه قصد در نظرات آقایان نیست بهر حال از تذکره دوستان متشکرم سخن تا کجا رسید خوب بخاطر من نیست ولی میخواهم معروض برسانم که در بررسی بودجه آنچه پیش از همه مورد توجه باید قرار گیرد اینست که ثمره نتیجه این بودجه این بودجه آیا هم آهنگ و هم راه و هم گام با انقلاب هست یا نه؟ بنظر من اگر این مورد به اثبات برسد و پیا خدای نکرده شک و تردیدی راه پیدا کند ما را باید بتأمل وادارده که این بودجه بودجه ای نخواهد بود که با منویات اعلیحضرت همایونی و انقلاب ششم بهمون و با خواست و انتظارات طبقه اصلاح طلب این مملکت همگام و هم آهنگ باشد تا جائیکه اطلاع دارم هر کس که این دقایق بودجه را تحصیل کرده آنچه توانسته است مورد توجه و بررسی قرار داده و باین نتیجه رسیده است اینکه عرض کردم هر کس (پشتانی غیر از دوستان اکثریت است) باین نتیجه رسیده که این بودجه خواهد بود موافق انقلابی شاه و مردم نیست دیروز بنظر من رسید اطلاع ای از حزب پان ایرانیست برای بنده فرستاده بودند حزب پان ایرانیست در مجلس شورای ملی نماینده ندارد در لایحه بودجه بودجه عرض کردم بنظر من این گروه گروه وطنخواه مرفقی روشنفکر و علاقمند بمملکت اند و هم اکنون در مجلس نماینده ندارد ولی وظایف یک حزب سیاسی را کاملاً ایفاء نمیکند بدون اینکه منظورشان از حزب و حزب بازی تحصیل صندلی و قدرت باشد حالا که دستشان از وکالت مجلس کوتاه شده باز با همان دلگرمی مخصوص بودجه را مورد بررسی قرار میدهند من در نوشته های آن ها دیدم که معتقدند در نهاد بودجه ۱۳۵۱ بودجه تقدیمی از طرف اکثریت یک طبقه جدیدی بوجود آمده این طبقه جدید را باز که حالا صحبت میکنم متوجه یک یادداشتی شدم که آقای بنام بهساز که نمیشناسم و برای دفتر روزنامه فرستادند و اونیز بنام یک ایرانی بودجه را مورد بررسی قرار داده به ملاحظاتی برخورد کرده که به عرایض من و استنباطات حزب پان ایرانیست با اصطلاح مؤید است من یک قسمت از آن را برای شما میخوانم انتظار

دارم توجه بفرمائید که این ملاحظات ملاحظاتی است که مردم آنهاست که بخاطر صندلی و کالت و صندلی قدرت و برای احتمالاً منافع شخصی و خصوصی نظر نمیدهند و آیمشان در هیچ دفتری نیست آنها در این بودجه چنین نظرانی ابراز میدارند و معتقدند که این بودجه یک طبقه خاص را میدان میدهد که جانشین فئودالیزم زمینی بشوند و ما که بعنایت اعلیحضرت از یک بند بزرگ رسته ایم مجدداً اسیر کار حساب شده یک گروه دیگر تازه نفس روز پسند مدعی و دازنده عنوان دیگر و مهندس خواهیم بود که ای که قابل ملاحظه است در تأیید عرایض قبلی و مقدمه ای که اکنون عنوان کردم این آقای بهساز که توفیق دیدارش نصیب نشده است با قلم پخته و نظر صائب البته از دیدگاه من و حزب اقلیت بودجه را اینطور بررسی کرده مدعی شده که انقلاب سفید بامکان اندیشی و شهادت کم نظیر رهبری مملکت تحقق یافته و اثرات بزرگ آن دلیل درستی و صداقت و مرفقی بودن طراح و معیار آن شاهنشاه آریامهر میباشد اما پدیده های بعدی که گرانی سرسام آور زندگی است فقط و فقط باروش و برداشت مجربان انقلاب بستگی دارد برای درک مطلب توضیح بیشتری میدهم توجه بفرمائید نتیجه گیری کرده این بودجه ای که آقایان مدتی بطور شبانه روز تلاش فرمودید درباره اعداد و ارقام خرج و دخل آن سلامت خرج و دخل آن امروز طبقه متورم مملکت نمیدانیم اصطلاحی که بکار برده علمی است یا غیر علمی از نظر انقلاب از دیدگاه انقلاب بررسی می کنند بنظر من دکتورین ما دکتورین سیاسی ما که انقلاب سفید شاه و مردم است هر امری که منافات با آن داشته باشد از نظر دید معتقدین واقعی انقلاب باید مطرود باشد و این شخص باین مقدمه ای که آورده نتیجه گیری کرده میگوید ۹ سال قبل جمعیتی بنام جمعیت مرفقی دولت را درست گرفت این جمعیت که بعد ها حزب ایران نوین شد اما موفقیت خود را بصورت فراکسیون در شکم حزب حفظ کرد در سال ۱۳۴۴ موجودیت خود را در اداره ثبت شرکتها به ثبت رساند در انقلاب سفید برداشت سرمایه خواری داشت این اصطلاح برای آن ها که علمی فکر میکنند اصطلاح تازه است بنظر من تازه است ولی اصطلاح قابل تأمل و فکر است پس من

تازگی داشت از انقلاب سفید برداشت سرمایه خواری داشته توجه بفرمائید سرمایه خواری نه سرمایه داری البته این توجه را بمن بسواد داده البته صاحبان تحصیلات و واردین بدکترین های سیاسی میدانند فرق سرمایه خواری با سرمایه داری چیست. جمعیت مرفقی در تمام ۹ سال کوشید که نحوه برداشت خود را در تمام شئون زندگی مردم گسترش دهد برای توفیق در این نقشه و هدف بجای سرمایه زده بکار گرفتن جمله غرب زده کار درستی نیست زیرا غرب درون مایه ای از انحطاط است به مرتجعین شرقی امکان داده میشود تا از ورود افکار نو و مرفقی جلوگیری کند. تأکید کرده بهتر است بجای غرب زدگی بگوئیم سرمایه زده مدتها در امریکا بودند دور خود جمع کردند با کمک این جوان ها بسازمان های اقتصادی قبل از شهریور که بر اساس اقتصاد دولتی پی ریزی شده بود حمله کرده و تمام آنها را درهم ریختند در آغاز انقلاب سفید اینان گروهی از همامات دولتی بودند که از انقلاب برداشتی دیگر داشتند یعنی طرفدار اقتصاد ارشادی با روبنای دموکراتیک در چهار چوب قانون اساسی و سلطنت مشروطه ایران بودند و تا مدتی هم در این راه کوشیدند اما بعد بوسیله جمعیت مرفقی که از ناحیه سرمایه خواران تقویت میشد از صحنه سیاست برکنار شدند نحوه تفکر گروه دوم علمی است هضم اینها برای یک عده غلبه است یا اینکه خیلی ساده است بنظر من هر تکه اش چالب است (دکتر الموتی خلاصه بفرمائید که منظور تان چیست؟) قسمت های بعدیش برای بعضی ها درد آوز خواهد بود و روشنگر حقایق تلخ و کمی صبر کنید برای آن عده ای که از سرمایه خواری بهره ها بردند و تا مدتی کوشیدند اما بعد بوسیله جمعیت مرفقی که از ناحیه سرمایه خواران تأیید میشد از صحنه سیاست برکنار شدند نحوه تفکر گروه دوم با برداشتها و امیدهای آن ۶ میلیون نفر که با انقلاب سفید رای دادند مطابقت داشت درستی این نظر موقعی ثابت میشود که بدانیم مالکان و سرمایه داران و مرتجعان از رای دادن با انقلاب سفید خودداری کردند و حوادثی آفریدند ممکن است پرسیده شود فرق بین نظرات این دو گروه چه بوده است و چه تأثیری در توسعه و یا جلوگیری گرانی و یابدی معیشت

مردم دارد در جواب عرض می کنم که صاحبان درآمد و سرمایه خواری و سوداگری و واسطگی یعنی جمعیت مرفقی معتقد بوده و هست که باید تمام منابع مالی... اینجاست که یک خرده مثل اینکه فضا یار و پین میشود (مهندس صائبی - انتقاد از کجا کرده چرا نمیفرمائید) بامدارک و با دلایلی که در اختیار داریم یقین بدانید جناب عالی راجع و سرمایه خواران نمیدانم این بار اجازه بدهید صداهائی در بیاید ولی از جاهای دیگر کسانی که سرمایه خوار هستند از این دید بهره مند هستند معتقد بوده و هست که باید تمام منابع مالی و اقتصادی مملکت در اختیار بخش خصوصی یعنی سرمایه خواران بدون سرمایه قرار بگیرد توجه بفرمائید یک خرده بنده با منطق خودم عرض میکنم قصد این است سابق بر این قبل از انقلاب ششم بهمون برداشت این بود که یک عده سرمایه داران دست پروری هر کاری که بوی سود میداد میگذاشتند و اصطلاح معروف میگفتند پول پول میآورد آفاده میلیون تومان داشت میرفت یک مقطعه میگرفت ۵۰ میلیون پول داشت میرفت در یک مزایده شرکت میکرد حالا برداشت عوض شده حالا یک نوع زرنگی خاصی جای برداشت سرمایه داران شده و آن اینست که کارهایی میکنند که اصلاً سرمایه نمیکند از سرمایه موجود مملکت با طرحهای علمی و برداشتهای و برنامه هائی تنظیم میکنند که ببینند فلان آدمی که تا دیروز هیچی در بساطش نبود و بیوگرافی آنها را بخوبی میدانیم و هم اکنون که صحبت میکنم در دهنتان شاید هر کدام یکی دو تا اسم بگذرد قبل از انقلاب ششم بهمون راعرض میکنم چیزی در دهنتان نبود امروز سالانه میلیونها سود میبرند اینها را میگویند سرمایه خوار یعنی نایک مقدمه چینی آمده بعنوان مثال آمده یک میلیون تومان سرمایه با برنامه و دور نمائی که نشان میدهد تهیه کرده یک میلیون خوش تهیه کرده ۶-۵ میلیون از یک خارجی میگیرد با هم شریک میشود و یک پروژه طرح تهیه میکنند ارائه میدهند بیانک صنعتی و معینی میگویند این پروژه اصلاح بندر هر چه اسمش را میگویند این را میبرد به بیانک و میگوید میخواهم پیاده کنیم و به بیانک توسعه صنعتی و معادن مراجعه میکنند ما که خوشبختانه هیچوقت نیازی به این نوع رقم ها نداشته ایم مراجعه می کند ۶۰ میلیون، صد میلیون سرمایه در اختیار

آنها می گذارند این را میگویند سرمایه خواری این سرمایه گذاری فرم تازه ای است که فقط يك عده بخصوص میتوانند به این کانال وارد شوند استفاده کنند و در لیست سرمایه خواران قرار بگیرند یا عبارت دیگر پیش دولتیان می آید و میگوید زمینی دارم میخواهم يك هتل مثل در دست کنم چند کلمه سیاحت و میاج و از این چیزها عبارات رومز پسند در طرح خود می آوردم مقدمه پیشنهادش چیزهایی از این قبیل اضافه میکند و میگوید ما کمک میخواهیم می آید از بانک ملی یعنی از بودجه مملکتی ۷۰-۸۰ میلیون باین آقایان میدهد تا این آقایان هتل صد اطاقه دوست اطاقه درست کنند بظاهر زمین گذاشته سرمایه هم گذاشته ۶۰ میلیون تومان از دولت میگیرد با ۵۴ میلیون تومانی آن هتل راه میاندازد ده میلیون ۱۵ میلیون به جیب میزند میماند پرداخت پول و اقساط آن، یکی دو طبقه از هتل هنوز تمام نشده را می آورد میدهد به اجاره یکی از سازمانهای وابسته بدولت که مبلغ دریافتی از این اجاره بیش از مبلغ پرداختی از بابت قسط تعیین میشود لذا يك مبلغ هم پول جیبی ماهیانه دریافت کرده يك مبلغ از اصل گرفته و مبلغ دریافتی ماه به ماه از سرمایه استهلاک میشود و نتیجتاً سیستمی که میگویند سرمایه خواری نوع تازه ایست و نوع تازه ای را هم برای مملکت تدارک دیده اند. وسیله های تازه ای را در این روزها در محافل می بینیم همین هایی است که این مؤمن آگاه و بیدار دل و روشن بین و مملکت خواه که نه اسمش جانی هست و گویا اسمش مستعار بنظر میرسد بهشتیان است داعیه و کالت دارد و نه قصد بر خوردن به هیت حاکمه را دارد مملکت خواه است نشسته است چیزی نوشته است فکر کرده شاید احتمالاً اگر چهار نفر آن را بخوانند تحت تأثیر قرار بگیرند شاید در مجلس شورای ملی مورد مطالعه قرار گیرد منعکس گردد یکی از آقایان فرمودند که از مطالب شما چیزی دستگیر نشده ناچار شدم يك مقدار توضیح بیشتری دادم تا بدانند با پول ملت گروه های تولیدی غیر سرمایه ای بوجود آمده و از راه عبارت ۳۰ میلیون مردم ایرانی سرمایه دار شوند این را میگویند سرمایه خواری سرمایه داری رسیدن در ۹ سال گذشته با سرسختی تمام این نقشه را عمل کردند انحصارات دولتی را از بین بردند کارخانجات دولتی را فروختند جنگلها را بین دوستان و منتقدان تقسیم کردند خیلی ساده است آنها

دیروز هیچی نداشتمد غنایت وزیر وقت شامل حال آقایان میشود مثل اینکه بد فکری نیست مثلا وزیری میگوید فلانی از دوستان خودمان است وضع مالی او نیز خوب نیست با او میگویند يك طرح تهیه کن بفروست برای ما بهر حال وزیر وقتی با آدم سر بسر میگذارد سر بسر گذاشتن او هم غنایت است طرف او میگوید طرح سچی تهیه کنم با او میگویند طرح دامداری طرح دامپروری مرغداری پرورش ماهی چیزهایی نظیر این میگوید من نه پدرم ماهیگیر بود نه بابام مرغداری میکرد نه دامداری میگوید فردا ساعت ۹ به وزارتخانه بیا يك کسی را در اختیار میگذارم تا يك طرحی برایت تهیه کند تا به بینم چه میشود می رود آنجا يك مهندس حساب الامر چیزی تهیه می کند و میدهد دست آقای يك روز يك کاغذی میفرستند که آقا ده هکتار از زمین های پرفلان جا البته این راه همه نمیدهند بزودی آب از دهن کسی جاری نشود شرایطی دارد ده هکتار زمین میدهند مثلا بر جا ده محدود آباد اسامی مختلفی دارد ۳-۴ جا هست اینرا میدهند متری ۱۲ ریال سرمایه خواری را دقت بفرمائید با سرمایه مملکت باجه بی پروائی بازی میشود می آید ۱۰ هزار متر ۵۰ هزار متر ۱۰۰ هزار متر زمین میدهند متری ۱۲ ریال اینها قصه نیست اینها حرفی است که مستند است زمین میدهند ۱۲ تا ۱۸ ریال زمین را میگیرد يك قسط اولیه هم را میدهد يك طرحی هم میدهند خوشحال میشود بر میگردد با ۳-۴ نفر از مؤثرین و واردین بامر کشاورزی وارد مذاکره میشود که آقایان آقای وزیر با ما اظهار مرحمت کردند و دست خطی مرقوم داشتند ۱۰۰ هزار متر زمین دادند مثلا آقای حاج آقای آذربایجانی شما که دامپروری کارتان است بیا همکاری کنیم زمین از من سرمایه از شما، حاج آقا با تمام آذربایجانی بودنش میگوید که آقای تهرانی (دکتر المونی - آذربایجانی فرمودید) بلی آذربایجانی بودن عیب نیست حسن است هنوز تهرانی نشده کنه آلوده بشود هنوز آذربایجانی است نامحرم هستند اگر آذربایجانی نبود شما این بودجه عمرانی و بهداشتی و فرهنگی را نگاه کنید ببینید چرا میگویم با آذربایجانی بودنش اینها دست نخورده هستند این را عرض کردم چون قزوینی يك خرده بصدا آمیز عرض کردم می گوید عزیز من این زمین را لزومی ندارد سرمایه گذاری

کنیم شما این زمین را موافقت بفرمائید من بفروشم او میگوید حاج آقا من برای فروش خریدم برای طرح بمن دادند میگوید کدام طرح طرح است کدامش یکروز حاج آقا او را سوار ماشینش میکند میبرد سرزمین می بیند تا چشم کار میکند زمین خدا است ملی شده شامل حال انقلاب شده درختهای ۱۰۰ ساله ۲۰۰ ساله که وزیر شرافتمند وقت آمد گفت قبل از من چنین کارهایی شده و اعتراف کود و جدان توجهش داد و یادش رفت که هیئت وزراء بصورت دسته جمعی مسئولیت مشترک دارند انصاف ندید گفت بله سوء استفاده شده است، من رفتم آنجا شخصاً دیدم درختهای چند ساله ۱۰ ساله، ۵۰ ساله را می اندازند پول دولت دولت اگر مدعی بود من همراه یکی از مسئولین باشویم برویم زمینها را نشان بدهیم با بودجه دولت نهالکاری شده سیم بندی شده نهال غرس شده مطمح شده نرده بندی شده درختهای صدساله در خارج تبدیل به پول شده همین زمینها و طرزها خیلی از زمینها را متری ۲۰-۱۸-۱۵ تومان معامله کرده اند یعنی با يك غنایت با يك توجه اگر آدم در جگر که سرمایه خواران قرار بگیرد از هیچ به مرتبه میلیونی میرسد یکروز آنها را با انگشت نشان میدادند که آقا فلانی میلیون است ما هیچگونه عقده و ناراحتی نسبت بسرمایه دار نداریم با سرمایه خوار مخالفیم والا در همین مجلس در همین اکثریت شاید نزدیک به ۳۰-۴۰ نفر میلیون داریم و هیچ هم مهم نیست (عباس میرزائی - در اقلیت هم شاید ۳۰-۴۰ تا میلیون هست) من به تناسب عدد عرض کردم اقلیت که همه اش ۳۶ تا هست نگاه میکنم معلوم شد که خیلی حزبی نیست بجان عزیزان غیر از اینکه بغلط یکی دوتا را شنیده ام هیچ کدام را میلیون نمیدانستیم معلوم شد ما هم جزو میلیونرها بر خورده ایم بهر حال بحث بحث آنور است عرض کردم ما با سرمایه داری مخالف نیستیم به جوجه نفاهم و سوء تفاهم پیش نیاید که من قصد کنایه زدن به سرمایه داری دارم خدا حفظشان کند آقای حی آقای نیکپور اینها از آقایانی هستند که عمری در کارهای تولیدی و استنتاجی کار کرده اند و شب لفتخار ما است پذیرای رژیم ما است اما با سرمایه خواری موافقت نفرمائید اگر در میثاقی مابین خودتان هم بعضی و چند قیافه میشناسید

دیگر هم اکنون بعد از توضیح من بیادتان آمد يك خرده انصاف داشته باشید شما چرا چوب اینها را میخورید این حرفها باشد یا نباشد جلسه بود چه تمام میشود دولت می آید خود جناب نخست وزیر از ناطقین برجسته و ورزیده هستند بخصوص که میگویند مستمع صاحب سخن را بر سر حال آورد و قتیکه يك اکثریت دویست و سی و چند نفری هم روبروی خودش ببیند طبیعی است وقتی من اینجا حرف میزنم حتی آنها هم حال ندارند يك خرده تکان بخورند اما بعد از اینکه این جلسه تمام شد این شوخیها و جدیها و خنده ها و تفریحا و يك خرده حرفهای خدای نکرده تیشدار تمام شد در حزب بنشینید بگوئید از نظر مصالح عالی مملکت بود چه را تصویب کردیم دانستیم یا ندانستیم اما ببینیم بعد از ۸ سال نوبت و فرصت آن رسیده است که ما هم بین خودمان يك تجدید نظری بکنیم؟ (احتشامی - لاواله) معادن زیرزمینی را در اختیار سوداگران سرمایه خوار گذاشتند معادن را شنیده اید کوتاه میکنم سرمایه بانکهای دولتی را بعنوان ساختن کارخانه باشخاص دادند و بعد ناچار شدند آن کارخانه ها را خودشان مدیریت کنند بانک ملی بروید در بودجه آقایان که مدعی هستند عدد و رقم همه را سطر سطر و نکته به نکته، و او به او و ب به ب بدقت بررسی کرده اند دقت کنند ببیند بانک ملی تصدی چند کارخانه تولیدی این مملکت را دارد (فرهادپور - ۶ پارتا) و بعد هم چه مبلغی بابت تصدی این کارخانجات باین شرکتها انتفاعی میبرداریم از بودجه مملکتی اینها همه درید تصرف سرمایه خواران است اگر یکوقت ذوقی داشته باشید فرصتی داشته باشید خودتان يك لیستی تهیه کنید احتمالاً اگر بنظرتان رسید از چپ یا راست مهم نیست لیست سرمایه خواران این سیماهای تازه که دیروز چه عرض کنم ولی امروز دم از میلیون و میلیارد میزنند این چیست، از کجا پیدا شده ثمره انقلاب بود یا ثمره آنهایی که ساعیند انقلاب مملکت را انیسر صحیح خود منحرف کنند؟ علی التحقیق این را باید بدانید که کارد دسته خودش را نمیزد يك طبقه بخصوص هستند که می آید امروز مصلحت اینجاست که با شما هماهنگ باشند و همصدا باشند و در صف شما قرار بگیرند اما مطمئن باشید با پیاده شدن این تر با

اجرای ترانقلاب ۶ بهمن خودشان خانوادشان بازنده هستند چگونه معقول است که مایوتوقع باشیم از کسانی که با اجرای ترانقلاب ۶ بهمن خود و خانوادشان بازنده هستند با ما بسلامت قدم بردارند راستگو باشند معتمدین راستین انقلاب بتوانند باشند اگر معتمدین راستین انقلاب بودند بعد از ۶ سال ما اسیر اینهمه گزانی اینهمه بی سروسامانی و نارضایتی بودیم؟ آقا نارضایتی هست و بعد اشد هم هست (نمایندگان اقلیت - صحیح است) چرا فراموش میکنید سوار بشوید به تاکسی همین چند لحظه قبل داشتم میآمدم مجلس خدا شاهد است سوار تاکسی باصطلاح ۵ ریالی شدم دیدم پشت سرم یک خانم دارد اعتراض میکند میگوید یعنی چه چرا باشتون مملکت بازی میکنند فکر کردم چون اینجاصحبت خواهم کرد احتمالاً مطالب کم است باصطلاح از اینجا هم تغذیه بشوم رو برگرداندم گفتم خانم موضوع چیست گفت ببینید آقا یک کار کوچک را مثل اینکه اصراری هست که بهر شکل و بهر صورت همه را مایوس و زده و دلسرد و بدبین بسازند گفت من یک خانمی هستم فکر کردم این ماشین ۵ ریالی است دست بلند کردم و سوار شدم اتفاقاً چون خرید کرده بودم بیشتر از ۵ ریال هم برایم باقی نمانده بود آدم متعینی بوده مثل بنده نبود اتفاقی بود چون من هم گفتم میتوانم سوار تاکسی ۲ تویبانی بشوم ولی دم دست بود سوار شدم گفتم ۵ ریالی داشتم سوار شدم چشم افتاد به شیشه جلو ماشین دیدم نوشته ۷ ریال ناراحت شدم قبول دارید که خانمها باتمام تساوی حقوق مقداری مقیدند و مثل ما نیستند که بگویند آقا این راننده من بیشتر از ۵ ریال همراهم نیست و این را بگیرد ۲ ریال را بعد جبران میکنم اینان این عبارت را نمیتوانند بگویند او گفتم من آب شدم به آقا راننده گفتم این ۷ ریال را خودتان نوشته اید گفت مگر مرض دارم اگر میتوانستم یک تومان میگردم این حرف را که زدواً منم دیدم که راست میگویی از آقا راننده پرسیدم مگر تاکسی ۵ ریالی نیست گفت بود ولی از بیستم شده ۷ ریال ببینید آقایان محترم شما یک ملت فقیر هستید یک وقت بود چه شما بودجه ای است که باید بهر حال کم و زیادش را سرانه با هم کنار بیايند یکوقت با بانک و مآل اندیشی شخص اول مملکت با آنچنان توفیق مالی میرسد که حتی اگر یک موقع دو سال ۳ سال هم مالیات نگیرید چه بسا بتوانید سوهای خود بپایستید شما چه اصراری دارید در آستانه زمستان بسایر فشار

روز افزون زندگی دوریال به تاکسی ۵ ریالی اضافه کنید که اکثر آنها و اکثریت آنها را طبقه صنف و اصناف و کارمندان آبرومند تشکیل میدهند و با چه اصراری بوده که شما بیاید بیشتر ۹ ریال را بگریال اضافه کنید بیاجه اصراری داشتید روزی که وزیر مربوطه میآید از پشت تلویزیون صحبت میکند و تر جدیدی ارائه میدهد که بادم میآید مردم از این باغ بری میرسد یکوقت درباره مسائل علمی و اقتصادی ما با هم داشتیم فکر میکردیم اگر خواسته باشیم که خودمان را به مسائل علمی و اقتصادی و این نوع ملاحظاتی که باید مدتها آدم باصطلاح دود چراغ بخورد و یاد بگیرد آشنا کنیم کوتاه میآیدم اگر چیزی راجع به مطالب اقتصادی بود هر وقت میخواستم مطلبی تهیه کنم سعی میکردم از یک صاحب نظر کمک فکری بگیرم اما این مجلس و این راه و رفتار را دیدیم دیدیم که نه آقا ما پرت هشتم اینها را که ما میدانستیم ولی بی ربط جرات ابراز اینکه ما هم بلدیم نداشتیم برای اینکه گفتند ما بترین ۵ ریال زایکومان میکنیم و استدلال کردند باینکه عواید ملی مملکت میروید بالا خوب بخاطر دارید (فرهاد پور - دلایل علمی هم داشتند!) یله دلایل علمی هم داشتند فرمودند یکی از دلایل رفته و سفته این بود که عایدات ما میزود بالا خیلی ساده بود ما در جواب بودیم! می بینم همه جنهارا اضافه میکنند بعد دیدیم چه عوارضی ایجاد کرده این همه دیدیم که باز یک تر تازه پیاده میکنند و میفرمایند که اگر گزان است نخزید این خیلی ساده بود من متوجه نبودم (خنده نمایندگان) آدم جنسی میخواهد بفروشد چیزی که باین سادگی است و باین سهولت همه ملت همه ۳۰ میلیون را قانع کرد خوب آقا زبانت را دودقیقه آزاد بگذار و بگو خیلی هم راحت گفتند نخزید عرض کردم چه چیز را نخزیم؟ بنده کدامیک را نخزم؟ (دکتر انوشیروانی - فرمودید پول خانم را که داد؟) مسئله خانم که توجه جنابعالی را جلب کرده شما همیشه بریزینی و تیزبینی معروفید و حق هم دارید که بدانید بهر حال حیثیت آن خانم با آن مقدمه ای که آنجا شروع کرده بود طوری نباشد که به شون ایشان بر بخورد خوشبختانه آن اندازه جو انوردی آن اندازه آزادیگی و بلند نظری خوشبختانه در طبقه سوم داریم که آن زاننده محترم گفت

خانم من برادر شما هستم خیلی ها نه تنها شما بلکه ۸۰٪ مسافرتین که امروزها سوار میشوند متوجه نیستند که پول خرد همراشان نیست و ما اصولاً سه چهار روز اولیه در این مورد کوتاه میآیم و مهم نیست و البته منم اصرار نکردم که دو ریالش را بدهم می بینید که الان آقا راننده باز است کریمانه خودشان گفتند دوریال مهم نیست اغلب افراد جامعه ما بانک نهاد و زحمتکش هستند خوشبختانه خوب برویم سر مطلب آنوقت میفرمایند نخزید خوب شیر را میکشید یک تومان مردم را هم که چشم و گوششان را بقول آقای سعید و زیری نویسنده محترم و چیره دست که در گرامی روزنامه سخن نوشته اند آشنا کرده اید ببینید اینقدر هم مرتجع نیستیم روزنامه های شما را میخوانیم که نوشته بودند با بعضی از اصطلاحات که سعی میکنم خود اصطلاحات را بخوانم مبادا در تلفظ لاتینی اش اشتباه بکنم و مورد اعتراض اسانید محترم قرار بگیرم عرض کنم پروتئین و از این چیزها آشنا کرده اند میفرمایند شیر بگریال گران شد واقعاً نیازی هست که بگریال گران کنید و از صبح که محصل، کارمند عضو یک خانواده مراجعه میکند به بقال و بقال اولین خبر خوش که میدهد میگوید خانم، آقا، کارمند، کارگر، شیر هم امروز گزان شد این بانه ها را دانسته بدست مردم میدهد؟ چه چیزی گران نشده؟ شی که مصاحبه میفرمایند لزومی هست که کره بسته ای ۱۹ ریال جناب آقای سعادت فرد بشود ۲۰ ریال و بعد صنف یفرود ۲۴ ریال لزومی هست؟ این سکوتان برای من مغتنم است اینجا سکوت بفرمائید تراکت حزبی و همکاری ایجاد میکنم که اینجا سکوت کنید اما لا اقل در حزب سرو صدرا راه پیدا کنید (خنده نمایندگان) دارد با آبروی شما بازی میشود تا این دیدی که من دارم مشکل است هر روز یک خبر بدی از گرانی خریداری فشار زندگی بگوش همه میخورد آنها عقده ایجاد میکنند یک مورد را بعرض میرسانم من نمیدانم ۲٪ یا ۳٪ چون دولت مدعی است که ۲٪ هزینه زندگی بالا رفته بانک ملی مدعی است که ۷٪ (دکتر المونی - بانک مرکزی) بنده چون هیچوقت با بانکها سرو کار ندارم و حساب ندارم حرفتان را قبول دارم بنور کنید یک حسابی در بانک اعتبارات که اگر تبلیغ تلقی نشود یک چیز کی دارم که

هر وقت کمبود داشته باشم خود آنان جبران میکنند و با هم بهر حال کنار میآیم باصطلاح تا چکمان برگشت نشود حضور آقای خودم عرض کنم بانک مرکزی آنرا ۷٪ اعلام کرده (المونی - ۵/۵٪) خیر بنده حرفی که میزنم مستند است همین جا کالاهای عمده ۵/۵٪ کالاهای غیر عمده ۷/۵٪ (پور بابائی - جناب زینتاب ۰/۵/۷ است) خیر ۷ و خرده ای است حالا که اینطور است پیدا میکنم ولی تشکر میکنم جناب پور بابائی از دقتتان تشکر میکنم پیفرمایند این رقم نیست (پور بابائی - شما هم حالا پیدا نمیکنید باقی مطالب را بفرمائید) بله میبینم همه را خواهم خواند و با آنجا هم خواهم رسید خوب آقا ۰/۲/۵ یا ۰/۷/۵ - کدام صحیح است؟ و ثانیاً باز بانک مرکزی ایران یک صورتی منتشر کرده صورتی که منتشر کرده ۱۳۵۰-۱۳۴۹ درجه افزایش برنج ۱۴ و خرده ای این چیزهای مورد مصرف عمومی است از هزینه میز و کافه فلانی چیزهایی که بدرد اکثریت نمیخورد نمیگویم نه نیازی هست و نه موردی هست که عنوان کنم برنج ۱۴ و خرده ای لپه ۲۷ و خرده ای (چند نفر از نمایندگان - خشکسالی را هم در نظر بگیرید) من قبول دارم اینها را قبول دارم حالا بجه اینها خواهیم رسید که شما چرا اینها را در نظر نگرفتید جناب رضوی که میفرمایید سد ساختیم بهره گیری و بازده این سد تا چه اندازه است؟ خواهیم رسید بودجه معنایش این است همه این فرمایشات که میفرمائید همه را در نظر دارم و قبول دارم که قهر طبیعت عوارضی ایجاد می کند اما مال اندیشی هشجاری و برنامه دقیق دولت و در دست داشتن اعتبارات چند صد میلیاردی باید معجزاتی نیز داشته باشد اگر نباشد یک وقت برف بیاید جنس به مرحله ای از ترقی برسد که هیچکس نتواند زندگی معمولی بکنند پس اینهمه ادعا این همه معاون و مشاور به چه درد میخورد؟ اینجا جانیست برای نشستن معاونین و مشاورین خوشبختانه همه هم نیامده اند این نمره انقلاب است که هر روز از تخته ای دو تا مشاور داشته باشد؟ این عایدات باید اینطوری مصرف بشود که هر کس بیاید چند روزی عنوان معاونت بگیرد و تا آخر عمر از یک حقوق بودجه ای استفاده کند؟ هر ملاحظه ای را که بفرمائید جواب عرض میکنم چون میبینم که با کتابه میگوئید اما شما یک طرف صفحه را ببینید آن طرف صفحه هم هست ما

هم میخوانیم ماهم حوصله داریم روغن نباتی مورد مصرف عموم شده (چند نفر نمایندگان ایست ، آه ، آه) آقای (عباس میرزائی - داده همکاران شما در آمد) خوشبختانه من اعتقاد به طبقه بندی ندارم شما قبول کردید که بهر حال اقلیت آشنا ببرد اکثریت است ~~در مجلس می باید طبقه بندی کرد و روغن نباتی را از روغن حیوانی جدا کرد~~ روغن نباتی تأمین میشود نه روغن حیوانی آنها حق دارند یعنی اقلیت حق دارد که بلحاظ کثرت مراجعینش انشاء الله درد آشنا باشد (عباس میرزائی - خوب شد انشاء الله را فرمودید) آقای عباس میرزائی من شما در یک راه مشترک هستیم و آن مبانی ایمانی ماست انشاء الله راهمانطور که تکبیر بان همه است شما هم در برابر از احساس و نظر اتان انشاء الله همیشه صادق و با حسن نیت باشید روغن نباتی ۲۷ و خرده ای در صد سیب زمینی ۲۶ و خرده ای در صد پرتقال را نمیخوانم خرزهره را نمیخوانم، خیار را نمیخوانم در جای دیگر سیب زمینی ۱۷ و خرده ای در صد پیاز ۱۵ و خرده ای در صد قیمش بالا رفته این نیاز مند بهای روزمره مردمی است که روزانه ۹۸ - ۱۰ تومان حقوق میگیرند باید - ۸ سال ۲۷ درصد برای نخود و لوبه و لوبیا بیشتر بپردازند و ۲۳ درصد برای نان بیشتر بپردازند و برای پیاز بیشتر بپردازند این کمبود را کی جبران میکند؟ (شیخ رضائی - گفتند نخورد) آن ده تومان را میخواهم یک نفر از شما اکثریت بیاید اینجا و بیاورد روی کاغذ ببیند با چهار سر عائله چطور میتواند باده تومان زندگی کند این یک بحث است حالا این ۱۰ تومان ۲۰ دو صد تا ۲۳ درصد افزایش نشان میدهند این کمبود از کجا تأمین میشود؟ در رقم ده تومان دو تومان خیلی حرف است خیلی آشفتنگی و خیلی پریشانی ایجاد میکند خیلی از بنیه را ضعیف و خیلی از دلها را پر خون میکند (صحیح است) چطور شما اینها را نادیده می گیرید؟ می آیند ۵ ریال را ۷ ریال بکنند ۱۱ ریال میکنند آن چیزها که در اختیار خودتان است روز بروز با آزادی و اختیار تمام بدون اینکه بمرجمی گزارش بدهید با قول خودتان با تیم و تپی مشورت نمیکنید قیمتش را بالا میبرید این بی اعتنائی با فکر عامه با برداشت رژیم دمکراسی و انقلاب سفید جور در میآید؟ میخواند؟ نه این همان نتیجه ای است که من میخواهم و در دل شناسیت قبول بکنید عواملی دانسته و ندانسته مسیر انقلاب را

منحرف میکنند تلفن را ملاحظه بفرمائید ممکن است بگویند تا کی دم از تلفن و آب و برق و آسفالت و اتوبوس خواهید زد؟ تا لحظه ای که تیار اولیه اکثریت مردم متکی بر این کلمات است چاره نداریم (احسن) نمیدانم بیان قبل از ظهر من در مجلس چطور بود که حتی بعد از ظهر چند نفر بیشتر از آقایان وزراء اینجا حاضرند و بهر حال یک ماه پیش صورت حسابی بدفتر بنده آمد که شما این مبلغ بابت بدی ماه فلان دفتر روزنامه اراده آذربایجان بدهکارید نگاه کردم دیدم رویه دفتر ما فرض بفرمائید تا اصطلاح ماهی ۲۵۰ تومان تا ۲۷۰ تومان در این حدود خرج داریم این البته بعنوان مثال بود حالا شده ۴۰۰ تومان یک عریضه ای عرض کردم که اراده آذربایجان تلفنی که میکند و مراجعینی که دارد محدود است و معنولاً ۳۰ - ۴۰ تومان اینطرف و آنطرف است چطور شده که ۲۰۰ و خرده ای تومان افزایش نشان میدهد عبات فرمودند بررسی کردند و رسیدگی شد نامه ای آمد و مسئولین شرکت تلفن گفتند ما رسیدگی کردیم در محاسبات مطلقاً اشتباهی نبوده اما چون خط تلفن رحیم زهتاب فرد در مسیر خط معیوب قرار گرفته تفاوت پول بایشان پرداخت میشود نکته اینجاست که آیا در مسیر معیوب فقط تلفن رحیم زهتاب فرد بوده یا چند ده تا و چند صد تا و چند هزار تا مردم دیگر آمده اند و چند برابر پول پرداخت کرده اند و صدایشان هم در نیامده و در نمیآید و در نخواهد آمد این حرف بنده هم بان ها جرأت نمیدهد برای اینکه متأسفانه آن خوش بینی بدستگاه حاکمه نیست شما اگر در این کاغذ مرقوم میداشتید که متشکریم که زهتاب فرد مشیرک ۲۰ و چند ساله این شرکت ما را متوجه خطای خودمان کرده و ما با توجه باین اشتباه دستور دادیم و فائز را رسیدگی کردند و تلفنها که در آن سال در مسیر خط معیوب قرار گرفته بود پول هایشان پس داده شد بالله من میآمدم اینجا باین چنین وزیری و این چنین سازمانی در دو سه هفت میفرستادم مردم باورشان نمیشود هیچکس این لیستها را قبول ندارد ولی میگویند غیر از رضوا تسلیم چاره نداریم و میپردازند چون اگر پرداختند همه سازمانها بخترند و ما داخله در کار هم دیگر بکنند چاره مردم که مجاز نیستند بگویند یک سازمان دیگر مراجعه

کردم افسری نشسته بود با من آشنا در آمد گفتم چه عجب اینجاست شریف دارید گفت و الله برای من يك صورت حسابی فرستاده اند ۷۰۵۱ تومان در ماشین و دستگاه مربوط بخودشان بجای اینکه صفر آنطرف بیفتد اینطرف افتاده دفاترشان هم تأیید می کند امانی گویند اول باید این پول را بپردازیم ما بعد اقدام کنیم برای رفع آن اشتباه من میگویم من ماهانه هفتصد و خرده ای میگیرم بابت اشتباه شما ۷ هزار و خرده ای تومان باید بدهم من تا جر نیستم که ۷ هزار و خرده ای داشته باشم می گویند باید بدهید و بعد میگیرید آقا بفرمائید لطفاً این صحیح است؟ این بر خورد با مردم درست است که بهر صورت هر کسی بهر بهانه موجبات نارضائی را فراهم کنند ممکن است بنده ایراد بگیرند و مکرر هم گفته شده که شما در نظر هایتان بعضی هارا تجلیل می کنید من بشخص جناب وزیر دارائی اعتقاد دارم ایشان را یکی از سیمانهای مغمتم برای مملکت میدانم امامیدانید عوامل زیر دست بدون اطلاع ایشان کارهایی میکنند که ظفیان اینجا می کند حالا يك خورده وارد معقولات میشود رفته اند در آمل و رودبار فشار آورده اند به مؤدیان مالیاتی و ۵٪ نسبت بسال گذشته بیشتر وصولی داشته اند بازرسان شاهنشاهی هم آنها را تشویق کرده اند که اینها آدم های سالمی هستند و کار کردشان بر زمینای انجام وظیفه بوده است وزارت دارائی اینها را تویخ میکند که چرا ۲۰٪ اضافه وصول نکردید شما بایستی ۲۰٪ اضافه در آمد نشان بدهید آقای جناب مهندس روحانی عزیز رسماً اعلام کرد که کشاورزی ما ۲۰٪ ترقی کرده اینجا هم که جز زیتون و جرد درختی عایدی دیگری ندارند حداقل بحساب برداشت خودتان ۲۰٪ اضافه بگیرد ولی میگویند ۲۰٪ کمتر نباید بگیرد درخت هارا دارند دانه دانه سنشان را بر آورده می کنند مأمور دارائی مأمور تعیین سن درخت شده میگوید این صد ساله است يك مالیات میگیرد این ۳۰ ساله است يك مالیات جناب صادق احمدی من اطلاع دارم که هر برداشتی يك زمان میخواهد اتفاق این زمان را در جمعیتان قبول ندارم برای اینکه چه زمانی بیشتر و چه قدرتی بیشتر و چه موقعیتی استثنائی ترو چه حمایتی مافوق تر از این ، کار من روزنامه نگاری است و ناچار از شهرستانها مراجعاتی

دارم از سراپ کاغذی نوشته اند و سه نفر را فرستاده بودند اینجا که مطابق قانون اصلاحات ارضی بعنوان مثال برای ده هزار متر معامله زمین باید ۳۴ تومان حق الثبت و حق التحریر بگیرند اینجا اوراق و اسناد هست که نوشته چه مبلغی از چه بابتی باید مأمور ثبت بنویسد که ۳۴ تومان من گرفتم يك مأمور ثبت اسناد در سراب تمام معاملاتی را که انجام داده یا معاملاتی که در این محضر انجام داده ۵۰ - ۷۰ - ۸۰٪ اضافه گرفتند بنده يك عریضه ای نوشتم بمدر کل ثبت تهران چون وقتی ما این ملاحظات را می نویسیم این آقایان اینقدر اصولی می شوند دم از قانون میزنند و رعایت قانون میکنند چوچه ما اکثریت که نیستیم که تلفن کنند و فوری رسیدگی کنند بنده به ثبت اسناد نوشتم چندی قبل در باره تقاضای تأسیس ثبت اسناد در بناب مدیر کل ثبت اسناد يك شرح جامعی به وزیر دادگستری نوشته بودند که اینجا وضعش اینست عایدانش اینست دادگاه ندارد ، شهر بانی ندارد بانک کشاورزی ندارد و مصلحت نیست و از نظر اقتصادی صرف نمیکند و ما نمیتوانیم دو سه کارمند بگذاریم و سالی ۱۵ تومان وصولی داشته باشند آقای وزیر محترم دادگستری هم برای بنده که يك مقدار با وصول پای بنده فرمودند من گفتم صحیح است بعد که از اطاق بیرون آمدم دیدم عجب من مرد ساده لوح هستم خوب همه این کارها در جای دیگر شده و يك دهم این عایدات را هم نداشته دادگاه و شهر بانی و بانک کشاورزی هم نداشته ولی آنجا شده اما اینجا که حزب اقلیت مربوط میشود این مسائل اصولی خواهند بود من از این شاخ به آن شاخ می برم بلحاظ اینکه قبول بفرمائید همه دستگاههای دولتی مثل اینکه یکی از مأموریت هایشان اینست که بمردم نیش بزنند و مردم را ناراحت و عاصی کنند اینکه درست نیست شما تمام مردم را نادیده میگیرید فقط مغرور و متکی به افکار و تصمیمات و ائصبای و بنده و بخش های خود هستید اینکه جور در نیاید راجع به آموزش و پرورش کاغذی دارم از بناب این را يك آقای تحت تأثیر احساسات قرار گرفته نوشته يك آقای که عضو حزب مردم است و میخواهد خودی نشان بدهد و انتقادی بکند نوشته این را رئیس آموزش و پرورش محل نوشته که ما چند ساختمان هم که داریم این ساختمانها دارنده میزنند سر بچه ها (شیخ رضائی - فردا عوضش می کنند) این را

رئیس آموزش و پرورش نوشته که سه چهار ساختمان داریم همه مخروبه است نفت و سوخت در زمستان نداریم مستخدم و معلم نداریم و این اطفاها اطفاهایی نیست که از لحاظ ایمنی محفوظ باشد برای بچه ها بنده برای حوزه انتخابیه خودم چکار کنم؟ مراجعه بکدام مقام بکنم آقا اگر فردا در روزنامه خواندید که سقف ریخت و ۱۵۰ نفر از بچه های مردم زیر آوار ماندند فقط در خبرهای حوادث خواهید خواند این حوادث و اخبار تکان دهنده اگر خارج از این چهار دیواری اتفاق بیفتد دولت را تکان میدهد اینجا گاهی بعضی از مسئولین امر اصولا خود را آشنا باین مسائل نمی کنند بنده بیکی از مسئولین مملکتی گفتم این خبرها را ملاحظه فرمودید گفت من چون قلم ضعیف است این خبرها را نمیخوانم از دید انسانی هم می گفت بنده نگاهش کردم گفتم آقا تو جزء مسئولین این مملکت هستی این روزنامه اطلاعات برداشت يك بیمار را از يك بیمارستان بقم حاج سید - جوادی اگر اشتباه نکنم نوشته بود این را وزیر محترم مربوط خوانده؟ دوسطر توضیح داده؟ خودش را مسئول دانسته؟ توجه دارید که روزنامه های ما مطالبی که مینویسد برای سیاه کردن کاغذ که نیست من ندیدم و نشنیدم که يك وزیر يك مسئول را بخواند و بگوید آقا روزنامه ها در باره وزارتخانه و نواقص وزارتخانه ها چی نوشته اند و شما چه کردید روابط عمومی معنیش چیست؟ فقط اینست که جناب وزیر در فلان جا صحبت کرد این قسمت را تکثیر بکنند و بامم بهیرم و توبییری خواهش بکنند که در روزنامه ها بنویسند و قسمت هایی را چاپ کنند و قتهائی را ندیده بگیرند؟ روابط عمومی این است؟ مسئولیت وزرا و وکلای همین است که من بگویم و شما بشنوید وزرا بشنوند تیری زده روزنامه راه مردم نوشته ۸ ساعت يك بیمار در بیمارستان بوده این چیز مهمی نبود؟ بنده قبل از ظهر عرض کردم يك بیمار شش بیمار مراجعه می کند يك بیمارستان و هر ۶ بار بدو ماه بعد حواله می شود این درست است که يك عده از زحمتکشان و زارعین این مملکت که بگده مخصوص بکارهای تولیدی میرسد مثل مردم هشت رود فاقد يك بیمارستان باشد (دکتر موسوی - متشکرم) مسأله تعارف کردن باشما نیست اسم رودبار و آمل را هم که آورد و کلایش در اکثریت هستند این درست است که

شما ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار بگذارید برای بیمارستانها و همه را متمرکز کنید در تهران بهترین و گرانترین نقطه های شهر این بیمارستانها را در دوره انقلاب برای کدام يك از طبقات میسازید؟ از تبریز یکی از آقایان نامه ای نوشته بود آقائی بنام معقول که من نمیشناسم نوشته بود یکی از دوستان من منزلشان مهمان بودم خانمش احساس ناراحتی کرد بردیم بیمارستان از طبقه معمولی کارمند ماهی هزار و خریدای حقوق بگیر میگفت بگذار وضع حمل ۲۷۸۶ تومان صورت فرستاده بودند این پول را اگر رفتند مردم بکجا مراجعه کنند؟ در تا کسی وجه حمل کنند؟ از این بیمارستان به آن بیمارستان بردند کی مسئول است در مطلق بهداشت و درمان مردم؟ آنکه دانشگاه است باندازه نیاز علمیش میگذرد و مسئولیت ندارد مجبور نیست هر کس مراجعه کرد بپذیرد آنکه شیر و خورشید سرخ است يك مؤسسه خیریه است که خدا باز مسئولین و گردانندگانش را طول عمر بدهد که باعث نسلی مردم شده است آقا این ۲۰۰ میلیون يك گروه بخصوص پرداخت شده کار نداریم که گفته می شود این پول هرگز بر نخواهد گشت خدا کند برنگردد اما ببرد این مردم مایوس بخورد آن در مسانتان، این گرانی تان این بهداشت عمومی تان از لحاظ نارضایتی این برداشت حزبی سیاستان این بیلاتان (شیخ رضائی - کلینیک تهران خوب باشد بقیه هیچ) صحبت ما بر سر این بود که در نهاد این بودجه يك طبقه خاص جانشین مالکین دیروز شده اصطلاحش اصطلاح سرمایه خورای است حالا بر میگرددیم به ادامه عرایض قبلی. و این برداشت اقتصادی سابق بود که برای توفیق در این نقشه آنچه بود تلاش کردند و ملت سرمایه زده گفتیم گرفتن جمله غرب زده کار درستی نیست و رضایت ملت ایران را جلب نمیکرد با توجه باین که ایران هر سال در برابر صد میلیون دلار صادرات سه میلیارد دلار واردات دارد و این تصمیم آقایان به گرانی و واردات کمک می کند یعنی سرمایه خورای مسئولین وارد کننده سه میلیاردی هستند که این گرانی را بوجود آورده اند خاطراتان هست چندی پیش دولت متظاهر این امر شد که میخواهد با گرانی و گرانفروشی مبارزه کند رفتند و در سردخانه ها را باز کردند و خودشان اعتراف کردند که در بعضی از سردخانه ها آذوقه یکی دو سال مردم تهران تأمین

است اما بعد متوجه شدیم و با ما فهمیدیم و خودشان فهمیدند که باز روز بروز سرگرانی افزوده شد قبول کنید اگر نرمزهای رهبر انقلاب نبود تا کنون راه آهن و ذوب آهن و پست و تلگراف و راههای زمینی و هوایی و حتی کارخانجات اسلحه سازی را در اختیار بخش خصوصی گذاشته بودند من بی جهت چنین حرفی را نمی زنم جناب آقای دکتر کلانی ذییر کل حزب ایران نوین در روزنامه کیهان گفته اند سلطه دولت را بر صنایع اصلی و منابع طبیعی باید لغو کرد نتیجه این کار چشمد این شده که تمام وسایل تولیدی و امکانات مالی در اختیار چند گروه نوزاد قرار گرفت و ۶۰٪ تا ۷۰٪ از آن ۱۰٪ رشد اقتصادی را بلعیدند و بقیه بین مردم تقسیم شده بود و از طریق گرانفروشی تقسیم می کنند با دلایل قاطع از آنچه بیان کردم مدلل می کنم که چرا مسئولیت چنین وضعی متوجه شماست یعنی این گرانی و نارضایتی و سوء افزونی قیمت خدمات بهترین دلیل برای اینکه شما چنین وضعی بوجود آوردید و بهترین دلیل بر اینکه روش های حزب حاکم و دولت حزب حاکم به چنین وضعی می انجامد و از آن حمایت می کند محتوای بودجه شما و گزارش نخست وزیر و گزارش های مفصل پیوست بودجه است که بطور اختصار آنها را بررسی می کنیم از نظر منابع مالی و تأمین درآمد بودجه موضوع را کمی خلاصی کنیم با ببینیم این مبلغ بودجه که بالغ بر ۵۴۸/۵ میلیارد است از کدام ثروت ملی تأمین میگردد چون یکی از مهمترین مواردی بودجه را مشخص میسازد این است که برای بودجه کل کشور برای هزینه های پیش بینی شده خود چگونه و از چه طریق تأمین اعتبار کنند متأسفانه در این بودجه که حزب حاکم تقدیم کرده، تأمین اعتبار عبارت است از استفاده از منابع نفتی ملاحظه فرمائید ۵۴۸ میلیارد و پلم عتده این را درآمد نفتی شما یعنی سومانیه شما را تشکیل میدهد در این توضیح که استفاده از منابع نفتی در این بودجه و همچنین در بودجه های دیگر بعنوان یکی از مهمترین اقلام ستون درآمد بودجه ذکر شده است در حالیکه هرگز استفاده از منابع نفتی اصلا استفاده از هر گونه منابع و معادن را نمی توان بعنوان

درآمد ملی تلقی کرد اصطلاح صحیح علمی که در قطعنامه اخیر حزب پان ایرانیست درباره بودجه دیدم این بود که استفاده از منابع نفتی را برداشت از سرمایه ملی عنوان کرده بود. جالب این است که من وقتی از روی نوشته یعنی مطلب مستند میخوانم توجه کمتر است در حالیکه اگر شما تعصب حزبی داشته باشید اصل تلخیهای من در متن همینانفته است وقتی میگویم واسمی از جناب آقای هوبدا میآورم حساسیت پیدا میکنید و اما وقتی میگویم این بودجه در نهاد خودش يك تیم و يك گروه تازه بدوران رسیده غارتگر را میروراند حرف میزنید و گوش نمیدهید در بیرون هم می گوئید وقتی از روی نوشته میخوانی موضوع بی اهمیت تلقی میشود آقا ما قصدمان این نیست که شما را در اینجا ناراحت و عصبانی بکنیم میخوانیم توجه شما را بملاحظاتى که حزب ما مطالعه دارد و با سرنوشت مملکت ما بستگی دارد جلب کنیم اگر مایل هستید که مجلس برگردد بوضع قبل از ظهر بنده آمادگی دارم و حاضریم که حرفهایم را در حاشیه بزنم و شما اگر باین مسائل خودتان را دلخوش خواهید کرد ولی اگر میخواهید توجه کنید عرض میکنم که بودجه مملکتی مورد بررسی است و يك رقم عمده از بودجه شما را کنار میگذاریم این مسئله صیقل و یکشاهی نیست مسئله ۲۰۴ میلیارد است منابع نفتی را برداشت از سرمایه ملی عنوان کرده بودند که بنظر من اصطلاح بسیار درستی بکار رفته و در برابر برداشت این سرمایه ملی باید منتظر و متوقع به لزوم بازده مناسب و متعارف از سرمایه باشیم. بیش از ۸ سال است که سرمایه عظیم ملی خودمان را منابع نفتی را در اختیار دولت حاکم قرار داده ایم بعد از ۸ سال بیلاتی که میباید بعد از آن همه سرمایه خرج کنی میگویند چون برف آمده اجناس باید گران بشود میگویند چون سدی که ساختیم جنبه پرستیژی داشته یعنی خرج میلیاردها پول، ما اینجا خیلی خوف است برای ملت نورسیده پرستیژ نیاز هست برای ملتی که تاریخ ۲۵۰۰ ساله ملی را جشن میگیرد نیازی به پرستیژ هست؟ ما می خواهیم خودمان را بدینا معرفی کنیم چطور شما جرأت میکنید که بعد از ۸ سال با اینهمه مبلغ و میلیاردها خرجی که شد

بیابند و بگویند جنبه پرستیژی داشته، این است صورت ریزی که به افکار عامه میدهد؟ ثروت ملی مملکت مال شماست شما در برابر تاریخ و در برابر نسل آینده جوابده این مسائل خواهید بود به چه دلخوش هستید؟ دلخوش هستید که سالیانه دویست و خرده ای میلیارد از اصل سرمایه کم می کنید و بعد می گوئید درآمد است؟ بعد هم که ایراد می گیرند می گوئید بررسی علمی کرده اید؟ بررسی علمی یعنی اینکه اگر من در منزلت فرض بفرمائید که یک جنس عتیقه دارم این را ببرم بفروشم و شب بخانواده ام گزارش بدهم که الحمدالله امروز کاروبارم بد نبود و ۵۰۰ - ۶۰۰ تومانی درآمد داشتم بشما نمی گویند که تویکی از نفیس ترین خاطرات خانواده ما را فروختی چطور شده عایدات نفت جزو درآمد نفت آنها بدون اینکه در گزارش باشرح و تفصیل گفته شود که امسال ما ۲۰۰ میلیارد که میگیریم سال آینده در فلان رشته اینقدر رشد نشان میدهیم حال نکته این است که در هشت سال اخیر که با رهبریهای شاهنشاه و برخورداری از امنیت بی سابقه و تلاش لازم است و در اینجا فرصتی است که تشویق و تقدیری از خدمتگزاران بشود ما خدمتگزاران را در هر صنفی که باشند و در هر گروهی که باشند برای ملت ایران وجود آنها مغتنم است و خدمات آنها مورد تأیید است مطمئن باشید من در عرضم مطلقاً قصد خوش آمد گویی رجال مملکت را ندارم اما بعضی از شخصیتها بمرحله ای از مقام شامخ و موقعیت رفیع میرسند که تعریف از آنها از مایه خرج کردن نیست با بعضی از رجال انسان یک روابط شخصی و یک شناسائی و دوستی دارد اما در کنار بیوگرافیهایشان هم یک اطلاعاتی دارد اگر خواست دوستیش را فدای مصالح میلیتی نکند مثل اینکه اخلاقاً گرفتار وجدان خواهند بود اما اگر آمد از رجالی که اینها فقط عاشق مملکت هستند عاشق شاه مملکت هستند عاشق رژیم مملکت هستند و وقتشان را ایشبانه روز در رفاه مردم صرف می کنند از آنها تجلیل کرد بنظر بنده نمودلوی از انصاف را نشان داده است و در اینجا لازم میدانم وقتی اشاره می کنم بتوفیقات عظیم نفتی توفیقات دنیاتکانه توفیقاتی که هم اکنون عکس العمل آنها بصورت مختلف در خارج و داخل مملکت بوسیله عوامل اجنبی

بوسیله مزدوران اجنبی می بینیم و می فهمیم ذکر خیری یکیم اشارتی شد عوامل اجنبی، اجنبی باید بدانند که ایران کشوری نیست که با چهار عریبه سیاسی و نمره و هذیان بیاید و در مسیرش تغییر بدهد و راه خود را برگرداند و از اراده ای که در پیش برد مملکت دارد منصرف شود، اجنبی باید بدانند و من بخصوص تعمد دارم که اسمش را نبرم چون تیر اگر از کمان همی گذرد - از کماندار داند اهل خرد، او کیست که در برابر ایران قدامت کند یک ملت کوچک آشفته حال و پیرشان دل یک ملتی که در گرفتاری های خود مشغول است امروز میخواهد مصلح وضع خاورمیانه باشد (عده ای از نمایندگان دولت نه ملت) شکی نیست که بازیگران بین المللی هستند که بنام ملت و هیئت حاکمه شان جلوه میکنند ما میدانیم خدا شاد کند روح سرمدرا گفت زدی ضربتی ضربتی نوش کن عرض می کنم ما میدانیم از کجا میخوریم میدانستیم این عریبه ها زده خواهند شد میدانستیم تا کجا سرو کار داریم ما میدانیم ریشه ها کجاست که زمینه هایش را خشک کردیم ما میدانستیم که شاهنشاه ما با چهره مصمم که مظهر اراده ملت بود فرمودند تا من هستم ملت من برای استیفای حقوق حقه خود یک قدم عقب نشینی نخواهد کرد این اولین و آخرین حرف شاهنشاه بود شاهنشاه در سال ۲۴ فرمودند میدانید در برابر کی فرمودند نه در برابر نیروی پوشالی بیخ گوش مانه در برابر نیروی چند هزار نفری ارتش بلکه در برابر دویست میلیون فرمودند که من دستم را می برم و وزیر بار امضای سند رقیب ملت نمی روم (احسنت) خاطرات ما مگر فراموش شدنی است مگر یادمان رفته ما پرورده تاریخ هستیم نیروی اجنبی تابخ گوش تهران آمده بود و صفوف اجنبی پرستان حکومت را تهدید می کردند پشتوانه این بازیهای بین المللی یک نیروی عظیم دویست میلیونی بود اما شاهنشاه مملکت شاهنشاهی که به مسئولیت خطیر زمانمداری و رسالت تاریخی و وراثت تاج و تخت سلطنت آگاهی داشتند شاهنشاه در برابر چنان موجی در آن سن و سال مقاومت و ایستادگی فرمودند شما تصور میفرمائید با چهار نفر چاقو کش حرفه ای و خرابکاران حرفه ای برداشت معاوض می شود اشتباه می کنید این بیچاره ها و این ذلیل ها ما خود می دانیم که در تاریکی

حیو رقصند اما چکار کنند مزدورند اینها پلیس استعمارند و پلیس استعمارند اینها باید چنین عریبه هائی بکشند، همین امشب به تحقیق این عریض بنده را بنام یک مخالف که از آشفتگی های ایران حرق میزند نقل خواهند کرد اما مگر ما در برداشت دمکراسی خوبان و در دید دمکراسی خودمان تجدید نظر می کنیم آنها فلان خدا میخواهند اربابان آنها میخواهند که در اینجا یک نوع دمکراسی استثنائی باشد، آزادی نباشد، زهتابها نباشند تا اینجا روبروی دولت آنچه را که مشخص میدهد آزادانه ابراز کند، شأن دمکراسی علی التحقیق اینطور است این شأن مجلس ایران است ماهی اعتراضی داریم هر مخالفتی داریم خودمان حریف دولت هستیم شکی نیست ولی اجنبی را اجازه نمیدهیم در مسائل مربوط به مصالح داخلی مادایه دلسوز تر از مادر باشند کی پیرای مانقش دایه دلسوز تر از مادر را بازی میکنند بیچاره ها علیلها و مریض هائی که با علم باینکه دوره تحصیلی را هم بعضی هایشان گذراندند جوان هم هستند انسان وقتی که عکس هایشان را قوی روز نامه می بیند واقعا دلش می تپد این بیچاره های مریض و علیل آلت دست چه سیاست هائی میشوند سیاست اینها یعنی خدای نکرده ما اینقدر عقب افتاده هستیم که اگر روزی مدعیان آزادخواهی و مدعیان حریت طلبی ما بخوانند چاره اندیشی نیز نکنند از آنها الهام بگیرند یعنی اینقدر مابینائی و آگاهی خودمان را از دست داده ایم که این خرابکارها برای مملکت ده تاصد تا پانصد تایش چه اهمیتی دارد؟ قبل از انقلاب در دوران فتودالیزم نیز در این کافه ها چند چاقو کش دست باسلحه و چاقو میبردند و آدم میکشند و بانگ میزدند دست بخرابکاری میزدند امروز هم همانها هستند مگر تحصیل آدم را آدم می کند مگر تحصیل خون را عوض می کند این عقده دارها این بیچاره ها این مریض ها چه طرحی دارند میخواهند چکار کنند؟ اگر اربابان آنها خود بدرد خودشان نمی توانستند برسند که وضع فلاکت بار این چنانی نمیداشتند این ملاحظاتی را عرض کردم که مایه ای نگرانی از این بابت نداریم مطالب متمم بودجه بنده هم آذوقه سه چهار روز را دوی آنها بود گاهی هم دوستان تلقین میزدند که نمی خواهم بگویم تهدید هم کردند از صفای دل هم گفتند که حرفهای تو فلان جا نقل شده این بار یک خرده نپا، گفتیم من اورا پایم من از او نگرانی

داشته باشم؟ نگرانی من اگر هست از پاس احتمالی وطن پرستان این آب و خاک است نه از اجنبی جوابده آنها هم خودمان هستیم بنده شعر نمی گویم فکر نکنید چون دارم صحبت میکنم حماسه سرائی میکنم من رحیم زهتاب در ۱۹ سالگی به جبهه جنگ دویست میلیونی رفتم (آفرین) فرقه پوشالی پشتیبانش ۲۰۰ میلیون نفر بود نه خانزاده بودم نه صاحب عنوان و رتبه بودم نه ثروتی داشتم ولی وطن داشتم ناموس داشتم مسئله حسابها از هم جداست امروز مگر ما مرعوب شدیم که امروز شویم این برنامه ها و این برداشت ها و این حرفهای رادیویی برای چیست، من از تأثیر نمی توانم خودداری کنم که در مغز علیل چند مریض اثر میکند و من از این لحاظ متأسفم ولی در برداشت کلی مملکت چه اثری خواهد داشت بر میگردیم به تجلیل از خدمتگزاران در باره توفیقات نفتی و وظیفه همه ماست من قبول دارم که این توفیقات تا قبل از انقلاب عملی نبود حالا که باینجا نزدیک شدیم یک قدری حرف بزنم این توفیقات قبل از انقلاب عملی نبود فقط انقلاب بود که جاده کوبی کرد برای تحقق منویات شخص اول مملکت اگر دیروز دولت ایران و بایر مقام شامخ مملکت مقدم بر استیفای حقوق ملت ایران میشدند عوامل ارتجاعی شروع بعکس العمل میکردند اما شش بهمن از همه آن سرسپردگان خلع بد بعیل آورد و گروهی که مأمور استیفای حقوق ایران بودند که در رأس آن بجاست از یک شخصیت خدمتگزار برجسته خوشنام از یک شخصیت عاشق به مملکت یعنی دکتر اقبال اسم ببرم (احسنت) بجا خواهد بود که مساعی جمیله وزیر دارائی آموزگار را یاد آور شویم فرصت مناسب است که از کلیه افرادی که در شرکت ملی نفت چه از نظر فنی چه از نظر حقوقی و اقتصادی تلاش در استیفای حقوق ایران کردند یادی بشود روزی که ما و دولت ما افتخار میکند بودجه را بر مبنای ۵۴۸۵ میلیارد تنظیم می کند یقیناً فداکاری و خدمات و سلامت نفس و مال اندیشی گردانندگان نفت را تحت رهبری شاهنشاه نباید نادیده گرفت (صحیح است) اما حالا که این بودجه در اختیاران قرار گرفت

به بیند این مرحمتی اعلیحضرت وقتی در اختیار شما قرار میگردد چگونه خرج میشود چگونه بازده پیدای کند آیا جزو سرمایه ملی منظور میشود یا جزو درآمد مملکت؟ من نمیدانم در کدام عرف اقتصادی و تجارتي و یا حتی در کسب و کاریک کاسب عادی هم از سرمایه خجوردن و برداشت از سرمایه جزو درآمد محسوب میشود، شما اگر ائانه منزل و یارث باقی مانده از پدر و یا اموال موجود در انبار تجاری خود را بفروشید و یا اجناس عتیقه و یا درختهای موجود در قلمه زار اجدادی خویش را بفروش برسانید آنرا جزء درآمد خود محسوب میدارید و آیا بچنین درآمدی همه ساله میتوانید دل به بندید و یا آنکه آنرا فروش از سرمایه تلقی میکنید، بخصوص آنکه منابع ملی از آنجمله سرمایه ملی است که نه تنها فقط متعلق بیک گروه خاص نیست بلکه متعلق به نسل خاصی هم نمیشاند و متعلق بهمی نسلهائی است که در آینده هم در این سرزمین زندگی خواهند کرد و از گذشتگان خود انتظار حساب و کتاب و بیلانی را خواهند داشت و یا اماتدار چنین ودیعه ای هستیم و باید آنرا بنحوی بکار اندازیم که بتواند برای زندگی همه نسلهای آینده درآمد و سود لازم را تأمین کند که باید گفته شود بموجب اقلام بودجه و نیز گزارشهای پیوست آن و همچنین با توجه به بحثها و بررسی هائیکه در دو دوره گذشته مجلس درباره بودجه های تقدیمی دولت حزب حاکم شده است و با توجه بدلائل و گزارشهای دیگر مملکتی، حزب حاکم نه تنها قسمت زیادی از عواید نفتی را در امور غیر تولیدی مصروف کرده است بلکه در قسمت برنامه های تولیدی هم این عوائد را با پیش بینی های لازم مصروف نداشته و در نتیجه نتوانسته است این وظیفه بزرگ ملی را انجام دهد شما از این مبلغ آنچه را که در تقویت نیروی ارتش شاهنشاهی، نیروئی که برای مملکت، خدمات و فداکاری آنان افتخار افزاست خرج کنید ملت ما با مسرت و روی خوش آنرا تأیید میکند و نسل آینده بر شما درود خواهد فرستاد زیرا برای حفظ تمامیت مملکت، اعتلای عظمت مین، سر بلندی و سرفرازی قوم پاک نهاد و کهن ایرانی لزوم برتری هر چه بیشتر نیروی امنیت بخش ارتش شاهنشاهی در زمین، آسمان، دریا چه از لحاظ بالا بردن سطح

دانش و تخصصی افراد و چه از جنبه تجهیز با خرید سلاحهای مدرن روز مورد انتظار ملت ماست ملی آنچه دفاتر بودجه حاکم است و در این امر حیاتی و ملی، افزایش اعتبار نه تنها در سطح بودجه دفاعی ممالک همجوار و هم پایه مانیست بلکه نسبت به میزان افزایش بودجه سایر وزارتخانه هائیز، بودجه ارتش ناچیز نظر میرسد و من در اینجا یک صورت از ارتشهای ممالک دیگر را برای شما می خوانم تا به بینید دولت ما متأسفانه در این امر حیاتی ملی کوتاهی چشمگیری کرده ملت ایران آنچه در تقویت ارتش شاهنشاهی پول گذاشته شود سرمایه گذاشته شود قبول می کند استقبال می کند چون این ارتش شاهنشاهی ماضمان سرمایه های مملکت حیثیت مملکت تاریخ مملکت است و شما در این قسمت کوتاه آمده اید و علاوه چه ضرر داشت که از این بودجه و از این سرمایه ملی بجای خرید سلاح به تقویت و خرید کارخانجات سلاح سازی اقدام میکردید همه ساله مبالغ هنگفتی پول و ارز مملکت برای خرید لوازم ارتش اسلحه های ارتش بخارج فرستاده میشود امروز که خوشبختانه ذوب آهن بمرحله پیاده شدن نزدیک شده است و محصول آن در بازارها پیاده میشود ما باید از منابع نفتی مان برای تأسیس کارخانجات سلاح سازی اقدام کنیم ما نباید به اسلحه های دیگران متکی باشیم این يك واقعیت است شما لوازم مورد احتیاج ارتش شاهنشاهی را صدی هشتاد از خارج وارد میکنید با این سرمایه که ۵۸۰ میلیارد و نیم بودجه دارید مجاز نیست هر چیزی را از خارج وارد کنید در این مورد توجه دولت را باین قسمت جلب میکنم و برای اینکه توجه بفرمائید که بودجه ارتش شاهنشاهی نسبت بممالک همجوار خیلی ضعیف است این ارقام را برای شما میخوانم :

مقایسه هزینه دفاعی سرانه در سال ۱۹۶۹

ایران	۲۵/۴
جمهوری متحده عربی	۳۶/۵
عراق	۴۵/۱
سوریه	۳۶/۸
اردن	۵۳/۴
اسرائیل	۳۵۷/۱

مقایسه نسبت هزینه دفاعی ایران بتولید ناخالص ملی در سال ۱۹۶۸ با چند کشور خاور میانه

ایران	۷/۳ دلار
عراق	۱۲/۵
جمهوری متحده عربی	۱۴/۹
سوریه	۱۶/۳
اسرائیل	۲۲/۲
اردن	۲۳

نسبت مخارج دفاعی ملی ایران با کشورهای خاور میانه بکل بودجه آن هادر سال ۱۹۶۹

ایران	۲۳/۴
عراق	۲۵/۴
اسرائیل	۲۷/۷
اردن	۴۹/۴
سوریه	۵۵/۲

نسبت مخارج و حفظ امنیت ایران با کشورهای خاور میانه بمحصول ناخالص ملی آنها

ایران	۵/۱
اسرائیل	۹/۸
عراق	۱۰/۶
مصر	۱۱/۳
سوریه	۱۱/۹
اردن	۱۸/۶

قابل تأمل است ماملت صلح جو هستیم اما پشتوانه صلح همیشه ارتش شاهنشاهی بوده نیروی ارتش بوده تقویت ارتش بوده و ما اگر از دید بودجه ارتش شاهنشاهی بطراز دولت میخواهیم بلحاظ این است که ما بصلح خاور میانه علاقمندیم

نکته دوم از نظر سیاست بودجه دولت حزب حاکم در تأمین اعتبارات بودجه، تأمین درآمد از طریق اخذ مالیات غیر مستقیم بنحو آشکار و غیر آشکار و یا اخذ مالیات از اکثر مردم است که در این مورد در واقع نظم مالیاتی که دولت حزب حاکم پذیرفته است نوعی نظم طبقاتی بود گروه خاص که همان گروه و طبقه ای است که کم و بیش آقای جوانشیر ارکان آنرا در همین مجلس توضیح دادند و بزبان اکثریت قریب

باتفاق مردم که طبقه زحمتکش و مصرف کننده میباشد

بموجب جدول شماره يك لایحه بودجه کل کشور بجمع درآمد بودجه عمومی دولت . ۳۸۶/۹ میلیارد ریال میباشد که از این مبلغ بموجب ردیف شماره ۳ همان جدول ستون درآمدها يك قلم ۱۷۸/۲ میلیارد از طریق عوائد نفت تأمین گردیده و مبلغ ۷۸/۴ میلیارد از طریق وام داخلی و خارجی بهر سال چنین مبلغی نیز خود عبارتست از نوعی استفاده از سرمایه ملی، زیرا این اکثریت مردم هستند که باید در این نسل وجه بسا نسلهای متعدد آینده فشار طاقت فرسای پرداخت چنین وامهای سنگین و پرداخت بهره های آنرا تحمل کنند

یعنی دنیای امروز قرض و وام خارج را جزو سرمایه ملی محسوب میدارد دلیلش هم خیلی روشن است چون آن را نسل بعد باید بپردازد، سالهای بعد باید پرداخته شود زیرا اکثریت مردم هستند که باید این بدهی و سنگینی آن را روی شانه خود تحمل کنند ...

**ایمان زهرانی** - این طرف پرداختنیش را هم ملاحظه بفرمائید

**زهداب فرد** - متأسفانه با خوشبختانه من مرد اقتصاددانی نیستم ولی خیلی متأسفم که چند برابر قرضی که امسال پرداخت میکنیم دوباره قرض میگیریم ...

**ایمان زهرانی** - وامهای داخلی و خارجی اینطرف است پرداختنیش هم آنطرف است

**زهداب فرد** - این توضیح را لازم است عرض کنم که ما چند برابر از بدهی مان را که امسال پرداخت کردیم قرض کرده ایم ...

**رئیس** - آقای ایمان زهرانی اجازه بدهید صحبتشان را بکنند

**زهداب فرد** - و بموجب ردیف ۲ ستون درآمد بودجه عمومی دولت از طریق مالیاتهای غیر مستقیم ۶۰ میلیون ریال بیان این نکته نیز لازم است که در جدولهای پیوست لایحه بودجه در بسیاری از موارد آنچه را عملاً نوعی مالیات غیر مستقیم است که از اکثریت مردم اخذ میگردد ظاهراً زیر عنوانهای دیگری قرار داده اند و



بطور قطع منظور این بوده است که باصلاح با این تدبیر انکاء پیش از حد و همه جانبه ای را که بودجه بر مالیاتهای غیر مستقیم و در نتیجه سنگینی خردکننده فشاری را که بر شانه های مردم وارد می آورند در زیر چنین پوششهایی پنهان کنند از جمله آنچه در صفحه ۹ قسمت سوم لایحه بودجه در ردیف ۳۵۰۲ در آمد سازمان قند و شکر در زیر عنوان دیگری غیر از عنوان مالیات غیر مستقیم ذکر شده است در حالیکه در واقع نوعی مالیات غیر مستقیم میباشد و باید بخش چهارم از درآمد های دولت که بعنوان درآمدهای حاصل از خدمات دولت نامیده شده است سه درصد درآمد شهردارها مربوط به وزارت آموزش و پرورش - شهریه مأخوذه از محصلین مدارس به حق الثبت امتحانات متفرقه - حق ورزشی که از محصلین گرفته می شود - درآمد حاصل از نام نویسی دانشجویان برای عزیمت بخارج - درآمد حاصل از تمبر دانشنامه ها و تأییدیه ها - درآمد مربوط به بزرگاری کتکور سالیانه دانشگاهها - حق تمبر کارنامه و گواهینامه دبستانی دیپلم دبیرستان - درآمد ثبت احوال کل کشور - ده درصد درآمد شهردارها مربوط بوزارت بهداشتی و درآمدهای دیگر از این قبیل زیر عنوان دیگری جز مالیاتهای غیر مستقیم قلمداد شده است که بهرحال همه این اقلام نوعی وصول مالیات خواهد بعنوان عوارض وصول بعنوان حق تمبر و غیره از اکثریت مردم میباشد. حال اگر این اقلام را ، یعنی جوهری را که بموجب لایحه بودجه و فصول مربوط بتأمین اعتبارات آن زیر عناوین گوناگون از اکثریت مردم و مصرف کنندگان میگیرند ، اخذ میکنند با رقم ۶۰/۸ که زیر عنوان مالیاتهای غیر مستقیم آورده شده است جمع بزنیم و آنرا با رقم مالیاتهای مستقیم که ۳۶/۸ میباشد مقایسه کنیم آنگاه درخواهیم یافت که چگونه نظامات بودجه برای تأمین درآمد درست حمایت بی دریغ و بیش از حد از طبقه ای تنظیم شده است که باید مالیات مستقیم از آنها اخذ گردد و باید متحمل پرداخت قسمت عمده ای از اعتبارات برای تأمین هزینه های مملکتی گردند و باین توضیح معلوم می شود که در بودجه کنونی و همچنین بودجه های گذشته در نتیجه درووشهای دولت حزب حاکم نوعی حمایت از طبقه ای که باید

مالیات مستقیم بردارند مشهود است و متأسفانه یکی دیگر از دلایل این امر فعالیتهای مالیاتی است که حتی آقای نخست وزیر در گزارشی که درباره وضع اقتصادی کشور در سالهای ۴۷ تا ۵۰ و برنامه دولت در سال ۱۳۵۱ بمجلس تقدیم کرده اند چنین یاد آور میشوند که :

«... سعی شده است ضمن استفاده از ظرفیتهای مالیاتی کشور برای رشته ها و فعالیتهای تولیدی معافیتهای مالیاتی لازم در نظر گرفته شود ...»

آقایان نمایندگان من نمیدانم منظور دولت از بکار بردن اصطلاح در ظرفیتهای مالیاتی که با انکاء بر آن باید سازمانهای بزرگ تولید کننده و صنعتی با اینهمه درآمدهای هنگفت و غیر متعارف که دارند از فعالیتهای مالیاتهای برخوردار شوند چه میباشد؟ ولی برای اصناف جزء کسبه خرده پای ، بنام تاجرو واردکننده اقلام سرسام آوری پیش آگهی فرستند و حتی مأمورین دارائی را ، بخصوص در شهرستانها موظف دارند که همه ساله عایدات خود را لااقل بمیزان صدی بیست بالا ببردند شنیده شد که مأمورین وصول دارائی در شهرستان آمل و رودبار که محصولی جز سردرختی ندارند و باستناد گزارش کشاورزی ، رشد کشاورزی ، در سال جاری ۲ درصد بوده است از مردم زحمتکش آنجا مطالبه حداقل ۲۰ درصد اضافه مالیات مطالبه میکند و مأمورینی را که بیش از پنج درصد وصول کرده اند مورد توبیخ قرار داده اند و امسال بخیلی از کسبه جزء که واقعا از اداره زندگی یومی خود عاجزند پیش آگهی هائی بمبلغ بیش از سرمایه اصلی آنان فرستاده اند و در مثال مأمورین دارائی سن درختان مرکبات را تعیین میکنند تا بر مضای آن بزرگ مالیات صادر کنند و این فشار بقدری در سطح مملکت عمومیت پیدا کرده که از حوزه انتخابیه من شهرستان بناب روزی نیست که در این مورد شکایتی در مجلس نشود ، حتی مطالبات مالیاتی خیالی سنوات ده پانزده سال پیش نیز در جراید چشم میخورد که موجبات ناراحتی اصناف و کسبه و طبقه مولد جز را فراهم کرده است ، اما برای عده قلیلی که بعنوان مختلفه بدون تقریباً سرمایه گذاری سرمایه خواری مملکت مشغولند و در لباس صاحبان کارخانه و صنایع سنگین و دارندگان معادن و مقاطعه کاران بزرگ

و شرکت های عمده که همه و همه از خزانه دولت در لباس قرض تشکیلات وسیعی بوجود آورده و سالیانه میلیونها و میلیارد ها سود میبرند نه تنها معافیتهای چنین قائل شده اند بلکه چیزی هم وقتی بنام جایزه یا تان پرداخت میکنند . آبا منظور از این ظرفیتهای مالیاتی اقلیت که چون اکثریت مردم این مملکت هر چه را دولت حزبی خواسته است میدهند و هر بار سنگینی را تحمل میکنند و در برابر افزایش غیر عادی خدمات دولت و سازمانهای دولتی دم فرو بسته اند و در نتیجه اکنون با برطاعت فرسای افزایش سرسام آور هزینه زندگی را تحمل میکنند کسانی که ظرف هشت سال اخیر ثروت های کلان اندوخته اند از مالیات معاف باشند؟ آقایان نمایندگان من و شما برای این ملت و این مملکت و رهبرانقلاب مسئولیت داریم و بخصوص در این موقع که لایحه بودجه کل کشور مطرح است باید باین مسئولیتها بیشتر توجه داشته باشیم آخر نتیجه اعمال چنین سیاستی چه میباشد ، حال شما را با قسمتی دیگر از گزارش آقای نخست وزیر آشنا میکنم . ایشان ضمن گزارش تقدیمی خود بمجلس شورای ملی در مورد مالیاتهای مستقیم چنین یاد آور میشوند :

«... سهم مالیاتهای مستقیم از کل درآمدها که در سه سال اول برنامه عمرانی چهارم در حال افزایش بود در جای بحث حاشیه ای داریم سال ۱۳۵۰ نقصان یافت و بطور متوسط ایندوره حدود ۱۳/۳ درصد از درآمدها را تشکیل داده است ، حال شما آقایان نمایندگان و بخصوص شما آقایان اعضای دولت که در برابر مسائل مملکتی مسئولیت مشترک دارید باید دقیقاً توضیح دهید بچه مناسبت گروهی که از چند سال اخیر بیشترین سهم از درآمد منابع مملکت و وامهای خارجی بحیب آنها سرازیر شده است باید حتی نسبت بچند سال گذشته مالیات کمتر بردارند پرسش هر ایرانی ایست که مگر در آمد عظیم نفت بچه مصرفی رسیده است؟ آبا جز آنکه قسمت عمده آنرا میگویند برای طرحهای عمرانی مصرف کرده اند ، مجریان این طرحهای عمرانی چه گروههایی هستند ، جز مقاطعه کاران ، آبا جز اینست که خوان گسترده ای را بنام بانک توسعه صنعتی پهن کرده اند و قسمت عمده از درآمد این مملکت را در این

سفره گذارده آید آیا جز اینست که فقط دستهای گروهی معدود بعنوان صاحبان صنایع و سازمانهای تولیدی حق برداشت از این سفره را دارند؟ آبا جز اینست که هر جا وام کلان دولتی قرارداد مهم ، و بهرحال اقتصاد مالی چشمگیر میباشد یکی از این گروههای شناخته شده روی آن دست میگذارد . این گروه سرمایه خوار ، در این مورد از نظریه ای استفاده میکنند آنگاه بر این چنین استفاده های عظیم از سرمایه های ملی و حاصل دستخیز این مردم است که بنا بگزارش آقای نخست وزیر پرداخت مالیات این گروه که بعنوان مالیات مستقیم است کاهش یابد ، اینجا است و با استناد بگزارش رئیس دولت است که من آنچه را که در ابتدای سخنم در این مورد بیان داشته اند نتیجه گیری میکنم که اقدامات و برنامه های دولت هیچ بیشتر معطوف بایجاد طبقه جدید و حمایت از آن بضرر اکثریت مردم میباشد .

اما سئوالی هم برای روشنفکران واقع بین مطرح است و آن سئوال اینست : بچه علت با این همه پیشرفت و سرمایه گذاری های عظیم که اگر «کیتز» اقتصاددان بزرگ و هوشیار زنده بود برای بانی و طراح آن هورا میکشید - اکثریت مردم ایران در زیر بار گرانی سرسام آور همه جانبه زندگی بسته آمده و آن شور و شوق ۹ سال قبل تدریجاً حدت و شدت خود را از دست میدهد .

گرانی لجام گسیخته کار را بجائی کشانیده که با واحد پول ایران یعنی ریال هیچ چیز نمیتوان خرید . در صورتیکه ۹ سال قبل با اجزای آن هم امکان خرید کالا وجود داشت . با این سئوال که حکایت کننده وجود بکنوع تضاد در مجموعه گردشهای اجتماعی و اقتصادی ۹ ساله اخیر ایران است چه جوابی باید داد ؟

آیا مثل گروهی از جوانان خشونت طلب باینمنکر انقلاب سفیدو کارهای انجام شده آن گردید و باینکه مانند مجذوبان دولتی به مال و منصب رسیده باید تضاد را نادیده گرفت و گفت که همه مردم چون مجذوبان دولتی در رفاه و آسایش هستند .

بعقیده اکثر روشنفکران ایران که واقعه بینی را ترجیح میدهند و آجیل خورجائی هم نیستند حقیقت غیر از نظرات دو گروه بالا میباشد .

انقلاب سفید با مال اندیشی و شهامت کم نظیر رهبری مملکت تحقق یافت و اثرات بزرگ آن دلیل درستی و صداقت و مترقی بودن نظرات طراح و معمار آن شاهنشاه آریمهر می باشد. اما پدیده بعدی که گرانی سرسبز دور زندگی است فقط و فقط با روش و برداشت مجریان انقلاب بستگی دارد. برای درک مطلب توضیح بیشتری میدهم:

۹ سال قبل جمعیتی بنام «جمعیت مترقی» دولت را در دست گرفت. این جمعیت که بعدها حزب ایران نوین شد - اما موقعیت خود را بصورت فراكسیون در شکم حزب حفظ کرد. و در سال ۱۳۴۴ موجودیت خود را در اداره ثبت شرکتها ثبت رسانید - از انقلاب سفید برداشتی سرمایه خواری داشت. (درست توجه فرمائید. سرمایه خواری نه سرمایه داری) جمعیت مترقی در تمام این ۹ سال کوشید تا نحوه برداشت خود را در تمام شئون زندگی مردم ایران گسترش دهد.

برای توفیق در این نقشه و هدف هر چه جوان سرمایه زده (بکار گرفتن جمله غرب زده کار درستی نیست. زیرا غرب درون مایه ای از انحطاط و ترقی با هم دارد. با استعمال غرب زدگی به مرتجعین شرقی امکان داده میشود تا زور و افکار نو و مترقی جلوگیری کنند.

بهتر است بجای غرب زده بگوئیم سرمایه زده) در اروپا و آمریکا بود بدور خود جمع کرد تا که این جوانها به سازمانهای اقتصادی قبل از شهریور که بر اساس اقتصاد دولتی بی ریزی شده بود حمله کرد و تمام آنها را درهم ریخت.

در آغاز انقلاب سفید گروه دیگری از مقام های دولتی بودند که از انقلاب برداشتی سالم داشتند. یعنی طرفدار اقتصاد ارشادی پارونهای دموکراتیک در چهارچوب قانون اساسی و سلطنت مشروطه ایران بودند. نامدنی هم در این راه کوشیدند. اما مرور بوسیله جمعیت مترقی که از ناحیه سرمایه خواران تأیید میشد از صحنه سیاست برکنار شدند نحوه تفکر گروه دوم با برداشت های امیدهای آن ۱۳۳۷ میلیون نفری که به انقلاب سفید رأی داده بودند مطابقت داشت. درستی این نظر موقعی ثابت میشود که بدانیم مالکان و سرمایه داران و مرتجعان از رأی

دلیل به انقلاب سفید خودداری کردند و حوادثی را هم آفریدند.

ممکن است پرسیده شود که فرق بین نظرات این دو گروه چه بوده و هست و چه تأثیری در توسعه و باجلو گیری گرانی و بدی معیشت مردم دارد؟

در جواب باید عرض کنم که صاحبان دید سرمایه خواری و یاسوداگری و واسطه گری یعنی جمعیت مترقی معتقد بوده و هست که باید تمام منابع مالی و اقتصادی مملکت در اختیار بخش خصوصی یعنی سرمایه خواران بدون سرمایه قرار بگیرد تا با پول ملت گروههای تولیدی غیر سرمایه ای بوجود آورد و از راه غارت سی میلیون نفر مردم ایرانی سرمایه دار شوند.

این را میگویند از سرمایه خواری به سرمایه داری رسیدن.

در ۹ سال گذشته با سرسختی تمام این نقشه را عمل کردند. انحصارات دولتی را از بین بردند. کارخانه های دولتی را فروختند. جنگلها را بین دوستان و متنفذان تقسیم کردند.

معادن زیر زمینی را در اختیار سوداگران گذاشتند. سرمایه بانکهای دولتی را بعنوان ساختن کارخانه به اشخاص دادند و بعد هم ناچار شدند همان کارخانه ها را خودشان مدیریت کنند. بانکهای خصوصی را در غارت پس انداز مردم آزاد گذاشتند.

آموزش و درمان را بصورت بازرگانی در آوردند و اطاق بیمارستان را با اتاق هتل مقایسه کردند و اجازه دادند آمبول پنج ریالی را هفتاد ریال بفروشند و وارد کنندگان دارو را از صفر به میلیون ها تومان ثروت رسانیدند.

حضرات به بخش خصوصی یعنی سرمایه خواران آنقدر عنایت و مرحمت دارند که اخیراً هشت درصد کاهش دلار را نادیده گرفتند. فقط بخاطر سیصد میلیون دلار صادرات متعلق بهمین سرمایه خواران، در حالیکه میبایست بخاطر سی میلیون مصرف کننده ایرانی کاهش ارزش دلار را پذیرفتند و از این طریق هشت درصد بهای ریال میافزودند و رضایت ملت ایران را جلب میکردند.

با توجه به اینکه ایران هر سال در برابر سیصد میلیون دلار صادرات ۳ میلیارد دلار واردات دارد این تصمیم آقایان

به گرانی واردات کمک میکند.

قبول کنید که اگر ترمزهای رهبر انقلاب نبود تاکنون راه آهن - ذوب آهن - پست و تلگراف و راههای زمینی و هوایی و حتی اسلحه سازی را هم در اختیار بخش خصوصی گذاشته بودند بی جهت چنین حرفی را نمی زنم. آقای دکتر کلانی دبیر کل حزب ایران نوین در روزنامه کیهان ۱۳۵۰/۸/۲۰ صریحاً گفتند: «سلطه دولت بر صنایع اصلی و منابع طبیعی را باید لغو کرد».

نتیجه این کارها چه شد؟ این شد که تمام وسایل تولیدی مملکت و امکانات مالی در اختیار چند گروه صنعتی نوزاد قرار گرفت و شصت تا هفتاد درصد از آن ده درصد رشد اقتصادی را بعید و نقیه ده درصد را هم که بین مردم تقسیم شده بود از طریق گرانی و فروشی جذب کرد.

بابت و بررسی که تاکنون نمودیم و اقلام و فصول مربوط به ستون درآمد بودجه و سیاستها و روشهای حزب حاکم و دولت حزبی را چه در فصول این بودجه و بودجه های مشابه آن قرار دارد مورد بررسی قرار دادیم مشخص شد که تاکنون سمت حرکت حزبی که خود را پاسدار انقلاب میدانند و دولت حزبی که وظیفه دار اجرای دقیق اصول انقلاب بوده است معطوف به هدفهای انقلاب نبوده.

متأسفم مثل اینکه همکاران حوصله شان سر رفته

است من هیچ اصراری ندارم باز هم بصحتم ادامه دهم اگر مایل هستید بروم بنشینم (نمایندگانش در خیر بفرمائید) وقتی مسئله بودجه مطرح است از ۲۶۷ نفر اینجانب فقط ۱۲۹ نفر حضور دارند ولی اگر جناب آقای نخست وزیر و هیئت دولت همین حالانشریف بیاورند این ۱۲۹ نفر بلافاصله میشود ۲۰۰ نفر و شاید بیشتر این برداشت و اقبال ما است از بودجه مملکتی این علاقه ما است به بررسی بودجه و رسیدگی بایرادات آن ...

**دکتر الموی** - آهان ۱۳۰ نفر در جلسه هستند صبح هم که همه بودند به رفتن خودتان بفرمائید در جلسه باشند.

**اسعد زرم آرا** - از اقلیت فقط ۸ نفر هستند

**رامبد** - حساب و فرمایشاتتان هم مثل بودجه تان

**زهتابورد** - از اقلیت کسی معترض نیست که

چرا همه در جلسه نیستند ولی صبح که هیئت دولت تشریف داشتند این عده از ۲۲۰ نفر متجاوز بود.

ویکی از دلایل وجهات عمده عدم موفقیت فعالیتهای انقلابی در سطح دستگاههای اجرایی ناهم آهنگی و تعارضی است که میان نظم اداری و اصول انقلاب وجود دارد ما قبلاً لازم است پیش از آنکه آقای نخست وزیر و یا یکی از سخنگویان حزب حاکم اینجامیابند و با صلاح بخواهند نوعی تبلیغات علیه اینجانب و یا هر کس که از لزوم انقلاب آذاری دم میزنند بنمایند و بگویند که کارمندان دولت شریف و زحمتکش هستند و چرا از لزوم انقلاب آذاری سخن میگویند موضوع را توضیح دهم که هرگز منظور و مراد از انقلاب اداری این نیست که خدای نکرده کارمندان دولت که اکثریت قریب بانفاق آنان مردمی زحمتکش و فداکار و متزهد میباشند هم آهنگی با اصول انقلاب ندارند. در واقع انقلاب اداری لزوم درهم کوبیدن نظامات کهنه و پوسیده و نابسامان و بی نظامات سودجویانه و تبعیض آمیزی است که صدمات و لطمات آن قبل از گروه و بلك اجتماع متوجه و اکثریت قریب بانفاق کارمندان شریف دولت است و کما اینکه هر گاه صحبت از لزوم درهم کوبیدن نظامات نابسامان ارضی در ایران میشد منظور این نبود که گروههای زحمتکش دهقانان با هدفهای انقلاب ناهم آهنگی بکارند بلکه قبل از هر چیز انقلاب باین خاطر بود که گروه دهقانان از قید و بند فئودالهای ارضی و غارتگریهای رژیم ارباب و رعیت خلاص شوند. در موضوع انقلاب اداری هم اینگونه است یعنی اینکه یکی از دلایل عمده انجام انقلاب اداری اینست که اکثریت کارمندان دولت از تبعیض و نابسامانی نظامات کنونی اداری خلاص شدند و ضمناً سازمانهای اداری تبدیل بآنجنان سازمانهای انقلابی گردد که بتواند از زحمات و کوششهای هزاران کارمندان اداری برای بمررسانیدن انقلاب شاه و مردم استفاده نماید.

سازمانهای اداری ما بر اساس همان اصول کهنه تبعیض آمیز - تأمین کننده بسیاری از تمنیات خصوصی اداره میگردد و چنین دستگاههایی از طرف اکثریت کارمندان دولت را در زیر ضربات پای خود لگدمال میکند و از طرف دیگر بصورت مانعی مهم برای پیروزی

انقلاب شاه و مردم در آمده است.

بهین دلیل پس از چند سال که ملاحظه گردید سازمانهای اداری و بطور کلی مدیریت اجرایی نتوانست آنطور که لازم است انقلاب و کوششهای انقلاب را بشمار برساند شاهنشاه که طراح و رهبر انقلاب میباشد فرمان بوزم انجام انقلاب اداری دادند و در نتیجه انقلاب اداری یکی از اسلحههای منشور انقلاب اعلام گردید بنابراین من اکنون نمیخواهم بیش از این درباره ضرورت و لزوم انجام انقلاب اداری سخن بگویم زیرا چه دلیلی بالاتر و مهمتر از اینکه رهبری انقلاب انجام انقلاب اداری را ضروری تشخیص دادند و فرمان اتمام آن دادند.

حال بهینیم از آن تاریخ تاکنون تنها مرجعی که وظیفه دار اجرای اصول انقلاب و بخصوص وظیفه دار اجرای اصل انقلاب اداری در دولت یعنی دولت حزبی و حزب حاکم چه کرده است؟ من گزارش آقای نخست وزیر و همچنین گزارشهای تفصیلی پیوسته بودجه بدقت مطالعه نمودم صورت مذاکرات مجلس را هنگام بحث لوائح بودجه در سه سال گذشته بدقت مطالعه نمودم حتی لوائح بودجه و گزارشهای آقای نخست وزیر و گزارشهای تفصیلی دیگر که در این سالهای مختلف تقدیم شده است مطالعه نمودم متأسفانه باید بگویم در غالب این موارد بیان کسار دولت در مورد انقلاب اداری صفر است و غالباً سیاست و اعتقاد دولت و حزب حاکم در مورد انقلاب اداری جنبه تفتن و یا آنچنان برنامه مستمر و حرکت لاک پشتی را دارد که گوئی هرگز این کاروان بسر منزل مقصود نباید برسد میگوئید بچه دلیل این اظهارات را میکنیم؟

من میگویم گزارش دولت تنها و گزارشهای پیوسته تفصیلی بودجه چه دلیلی نسبت به برداشتن يك گام قاطع در مسیر انقلاب اداری دارد.

انقلاب اداری یعنی پایان دادن به تبعیض، یعنی آنچه از هر نیرو و استعدادی که بهره گیری میشود همان اندازه بدان پاداش و ضرر وارد شود که بمشابه آن تعلق میگردد شما در طرز کار سازمانهای اداری خود نه تنها این تبعیض را از میان نبردید بلکه بنحو خیره کننده و چشم گیر بنای تبعیضات عظیم را گذاشتید - دولت شما

برای سال ۱۳۵۲ - بودجه با حجم ۵۴۸۵ میلیارد ریال تنظیم و تقدیم مجلس نموده است - اعتبارات چنین بودجه بآن کیفیت که درباره آن توضیح دادم تنها بضع اقلیتی محدود تأمین میگردد - آنوقت شما بموجب اقلام و اعداد بودجه نزدیک بدو نوع از چنین اعتباراتی را بکجا در اختیار سازمانهای من در آوردی بنام شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته بدولت قرار میدید که خارج است از شمول هرگونه مقررات و قوانین کلی مملکتی. هرگونه که میخواهند آن کم آمده ها را مصرف کنند - شما باین وسیله و باتبدیل سازمانهای اداری باین قبیل شرکتهای بازرگانی و موسسات انتفاعی وابسته بدولت محور طبقه جدید حاکمه در میان کارمندان دولت بوجود آورده اید که عده معدود نور چشمی حزب ایران نوین بلاسبب و غیر متعارف و برخلاف هرگونه اصول و منطق عادلانه و قانونی هر چه میخواهند میبرد و حکومت قاهرانه ای را بر اکثریت قریب باتفاق کارمندان دولت برای خود فراهم ساخته اند برای اینکه بدانید شما چگونه طبقه جدید حاکمه ای در سازمانهای اداری بوجود آورده اید فقط برای چند دقیقه تعداد بسلیب شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته بدولت را در نظر بگیرید و آنگاه رقم بدست آمده را ضربدر حداقل شش و هفت نفر که خدمت متوسط تعداد اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل و بررسی چنین شرکتهائی میباشد بنمائید و بهینید چه رقمی بدست میآید آنگاه این گروه هریک از بیت المال مملکت حقوقهای هنگفت میبرند. در حالیکه هرگز کارمند دیگری که تحصیلات و کوشش و تخصص او مشابه این آقایان و چه بسا از آنان بهتر است در مقابل چنین حقوق غیر متعارف مبلغ بسیار اندک میگردد - شما تنها مقدار معاونین هریک از وزرا و حتی معاونین وزرا و مشاور توجه کنید، شما توجه کنید که در زمان حکومت حزبی شما چطور پستهای معاونت و مدیر کلی و غیره و غیره مثل قارچ از گوشه و کنار روئیده است و در نتیجه حکومت حزبی شما بطور سخت تر و مشکل تری همه سازمانهای اداری و بیت المال مملکت را در رشته هائی از تبعیض و نقض قوانین اساسی و نوعی خود خواهی حزبی پیچیده است.

شما خود قانون استخدام کشوری وضع میکنید و

مدعی میشوید که میخواهید این قانون را نهمه سازمانهای دولتی اجرا و حاکم کنید ولی آقایان پاسداران انقلاب بسیاری از سازمانهای اداری را بموجب قوانینی که بایستی گفت قوانین معارض انقلاب است از شمول همان قانون استخدام کشوری خارج نموده اید.

شما کار خود خواهی حزبی را در امور اداری و مدیریت سازمانهای اجرایی مملکت بآنجا رسانیده اید که غالباً چندین سال نسبت بیک مورد صحیح و مشخص و برخلاف منطق چون کسانی جز شما توضیح داده اند و استدلال کردند آنمورد را قبول نکرده اید و وقت و نیروی مملکت و مردم را بهدر داده اید از جمله آنکه شما در اوائل دوره گذشته لایحه تفکیک وزارت کشاورزی را بچند وزارتخانه بجمع آورید بصورت جلسات حکایت دارد اقلیتهای آندوره یعنی حزب مردم و بان ایران نیستها به تفصیل توضیح دادند که اینکار صحیح نیست اما چون شما میخواستید برخی از دوستان حزبی شما در آن موقع صاحب عنوان وزارت و معاونت و غیره شوند این استدلالها را نپذیرفتند آنگاه که پس از گذشتن بیش از چهار سال وقت، پول و فرصت مملکت از دست رفت و مشکلات بسیار بوجود آمد آمدید و باهمان نوع برداشتهای خودتان لایحه ادغام قسمتهای تفکیک شده را بمجلس آوردید سؤال من اینست بهر حال یکی از این دو سلیقه اشتباه بوده است و اینکه مادام بگوئید ما از اشتباهات خود بر میگرددیم این کافی نیست زیرا برخی از این اشتباهات آن اندازه مهم است که نشان میدهد آنکسانی که مرتکب چنین اشتباهاتی میشوند نمیتوانند وظیفه مهم پاسداری انقلاب را که بعهده آنان گذارده شده است انجام دهند.

جناب شهردار تهران که من نمیدانم مجاز به تقاضای نشان مدال طلا و نقره هستند یا نه و خدا کند مجاز نباشند که از بعضی از مقامات تقاضای نشانهایی داشته باشند حالاً راجع بمدال برضتان میرسانم شهردار تهران چندی پیش اعلام داشت و من در متمم بودجه یاد آور شدم راجع به تعریض کوچه های تهران از چند متر به چند متر دیگر دستوراتی صادر کرد شهردار تهران بود همه مردم ایران قبول داشتند عضو حزب ایران نوین است

متخصصین زیادی در اختیارش هست مصلحت شهرو زیبایی و مقتضیات روز ايجاب میکند که کوچه ها تعریض بشود و کسانی که زمینهایی در حدود ۲۵۰ متر ۳۰۰ متر داشتند به اطاعت از اوامر شهردار عقب نشینی کردند سیصد متر زمین شد ۲۱۰ متر ۲۰۰ متر شد ۱۴۰ متر ساختمان کردند فشار را بر خانواده خود تحمل کردند زیر بار اوامر قانونی دولت رفتند بعد از يك مدتی شهردار امر صادر فرمودند و همه روزنامه ها نوشتند و شما نمایندگان محترم تهران خواندید که فرموده بودند از نظر اولمان عدول کردیم مردمی که بی خانمان شدند زندگی باخته شدند وضعی که برای خود تدارک مینمودند از دست دادند حاج و واج ماندند که چکار کنند و بکجا بروند چگونه يك شهردار مملکتی بخود اجازه میدهد يك روز امریه صادر کند که فلان کوچه تعریض بشود و بعد از چند ماه دستور صادر کند که از آن تصمیم صرف نظر کردم هیچ مقامی از این شهردار حق ندارد پرسد آقا شما در برابر کدام مقام مسئولید چگونه بخود اجازه میدهید با سرمایه و دارائی با برداشت و زندگی مردم بازی و شوخی کنید؟ (صحیح است) این حرف شده ما متوجه اشتباه خود شدیم؟! و برای اینکه اینان موقعیت خودشان را تثبیت کنند متوسل میشوند بصور مختلف میگویند بعضی ها که پاره ای از مسائل را نباید گفت بعضی از ملاحظات را نباید افشا کرد، قبول داریم. آقای شهردار تهران تقاضای نشان طلا از پیشگاه شاهنشاه برای شخصیت های عالی مقام مملکتی نموده اند نتیجه این است این حرف نباید زده شود نباید گفته شود ولی نتیجه این زرنگی ها این است که مردم جرأت نکنند که بمقامی بمرجمی از این شهردار گستاخ شکایت کنند (نمایندگان اقلیت صحیح است - احسن) و واقعیت این است حق مشروع شهردار است اما شهرداری که گستاخانه چنین برداشتی را دارد باید بداند که افکار عمومی درباره او چگونه قضاوت میکند شما برای اجاره و تعمیر يك ساختمان شهرداری مراجعه میکنید شهرداری شما را حواله میدهد به نقشه يك دو هزارم من نه خانه دارم نه زمین نه قوم خویش که زمین باین معنا داشته باشد اینها چیزهایی است که مردم برای من گفته اند شهرداری میگوید برو از نقشه برداری نقشه بخر بعد بیا بخوابان آیزنهاور یعنی شما از کوی افسر به بروید.

**دکتر حبیب‌اللهی** - نقشه مربوط بهوایمائی است؟  
**زهناب فرد** - سازمانی که این نقشه‌ها تهیه کرده سازمان نقشه برداری کشوری مردم را یک روز حواله بیک سازمان دیگری میدهد آقایان که برای شما کاری ندارد این نقشه ... را خود شهرداری تهیه کند که یک روز از وقت مردم را از بین نبرید اگر بخواهید مفاضا حساب بگیرید هزار درد سردارد شما تشریف ببرید خیابان فرح شمالی یک پمپ بنزین است این مسیر اعیان نشین‌ها است مسیر هیئت حاکمه است آن وقت یک موردش را نشان میدهم قبل‌هم در متمم بودجه مورد دیگری را گفتم جوابی نشنیدم تکفیر سیاسی کردند گفتند متظاهر است آن روز گفتم در خیابان تخت جمشید ۱/۵ متر به پیاده رو تجاوز شده خیابان تخت جمشید فیش آباد را عرض کردم و از پشت پریون مجلس اعدا کردم یک ساختمان ده طبقه یک متر و نیم به پیاده‌رو تجاوز کرده آیا این حرف جواب نداشت؟ شاید علتی داشت و من وارد بحثش نبودم می‌آمدید توضیح میدادید که علتش این بوده است باز در این خیابان فرح شمالی یک پمپ بنزین است که دستگاه بنزین‌گیری آن پنج شش سانت از بر پیاده‌رو جلوتر آمده من کوتاه‌بین نیستم مصلحت مملکت، اموال دولت فقط بیت‌المال ایجاب میکند که این حرف‌ها را بزعم آقایان بزرگوار و صاحب صنایع و عقاید این پمپ بنزین که در پیاده‌رو دو ۶ سانتی‌متر جلو می‌آید انبار این دستگاه لااقل چندین متر آمده توی پیاده‌رو مقدم این است که این کافی نیست که بنیاید بگوئید اشتباه کردیم چکار کنیم ساختمان رفته است به آسمان چکار کنیم بهم میریزیم نه ما نمی‌گوئیم اما اینکه گفتم چیزهایی بخشم می‌خورد و بعد بعنوان مختلف متوسل میشوند تا مردم جرئت شکایت از چنین دستگاهی را هم بخود ندهند (بکنفر از نمایندگان - اگر کسی شکایت هم نکند هیچکس بشکایتش توجه نمی‌کند) آیا این است انقلاب اداری که اینهمه سروصدا دارد و فریاد مردم از آن بلند است دولت ۷ ساله حزب حاکم در باره یک امر مهم کاری که در ۱۳۵۰ کرده این است: رسیدگی به ۴۵۰۰ پرونده شکایت استخدامی کارمندان دولت، تنظیم ۵۹۰ جلسه شورای انقلاب اداری، تنظیم برنامه و اداره امور ۸۴۰ جلسه مربوط بکمیته‌ها، تهیه و تنظیم ۹۸۰۰ فقره

بخشنامه و دستورالعمل، همکاری با هیئت ارزش‌یابی سازمان‌های دولتی، تهیه ۵۹۰ فقره پرسش‌نامه این است خلاصه برداشت حکومت معتقد به انقلاب در راه انقلاب اداری حال شما را برابر وجدان بیدارتان قرار میدهم آیا با این وضع میشود انقلاب اداری را تحقق بخشید اما آنچه که سبب گردیده است در مسیر انقلاب اداری گامی برداشته شود بلکه اقدامات اداری و اجرایی در بسیاری از موارد معارض با اصول انقلاب باشند بنظر من چیزی جز این نیست که حزب حاکم و دولت حزبی واقعا اعتقادی بلزوم انجام انقلاب اداری ندارند و جهت آنهم روشن است زیرا هر گاه واقعا انقلاب اداری تحقق پیدا کند دیگر آن گروه حاکمه حقوق بگیران کلان‌وصدها معاون و مدیر صاحبان کل و مقام نمی‌توانند چنین موقعیت اشتثنائی و غیر عادلانه را برای خود حفظ کنند .  
 و اما اینکه گفتم حزب حاکم و دولت حزبی هرگز علاقه چندانی بانجام انقلاب اداری ندارد و بهترین دلیل آن که خود هر توضیحی را باخود دارد گزارش عملیات باصطلاح انقلاب اداری دولت در سالهای ۴۹-۵۰ و نیز برنامه و سیاست دولت برای سال ۵۱ در مورد انقلاب اداری میباشد که در صفحه ۱۳ بخش اول شرح اجراء برنامه‌ها و عملیات پیوست این لایحه بودجه منعکس است که عیناً برای شما می‌خوانم و البته شاید تعجب کنید و جای تعجب هم دارد که کلیه این گزارشهای انقلاب اداری و برنامه سال ۵۱ هم در یک صفحه چندین سطری گرد آمده است و آن عبارت از برگزاری چند سمنار و کنفرانس و توجه است آگاه شویم رئیس دولت که ضمناً ریاست دفتر سیاسی ریاست هیئت اجرایی حزب ایران نوین را دارا میباشد و در نتیجه از طرف دولت و حزب، هر دو اعلام نظر نمینمایند راجع بانقلاب اداری چگونه فکر میکنند و چگونه تحقق انقلاب اداری بر مانی نامعلوم حواله میدهند عین اظهارات ایشانرا در مورد انقلاب اداری و سیاست دولت در این خصوص که هنگام تقدیم لایحه کل در جلسه پنجم بهمن ماه مجلس شورای ملی بیان فرمودند برای استظهار نمایندگان قرائت میکنم: به توجه بفرمائید دولت بعد از ۸ سال حکومت معتدله‌دار

۸ سال وعده‌های روزهای اول زمامداری می‌گوید عزیز من خیلی خودتان را دلخوش نکنید باین زودی‌های اینکار عملی شدنی نیست .  
 ... راجع بانقلاب اداری باید بگویم که چون این موضوع با روحیات مردم، کارمندان توانابستگی و ارتباط دارد و جز از طریق آموزشی مستمر و تغییر روشها و رویه‌ها و عادات اداری که سالیان دراز مورد عمل بوده میسر نمیشد لهذا بعلت لزوم برنامه‌ریزیهای آموزشی و بهبود مستمر روشهای اداری آن محدود بزمان معینی نبوده بلکه این اصل باید در طول زمان همواره مورد توجه قرار گیرد ... من صریحاً بعنوان یک سرباز کوچک انقلاب اعلام میکنم بیان چنین نظریاتی، یعنی عدد ۵ از اصل انقلاب اداری یعنی اعلام ببقیثتی نسبت آنچه که رهبر انقلاب مبنی بر ضرورت انجام سریع انقلاب اداری فرمان داده‌اند، اعلام این نظرات از طرف حزب مسئول و دولت حزبی مسئول یعنی اعلام این حقیقت تلخ که توانائی درک و ابهام انقلاب اداری را ندارند (صحیح است) یعنی این عقده‌ها همیشه باید باشد من صریحاً بعنوان یک ناطق مخالف اعلام میکنم بیان چنین نظراتی مخالفت با انقلاب است در حالیکه متأسفانه آشفتگی امور و کندگی کار درباره‌ای از سازمانها بعدی رسیده که موجب تکدر خاطر همایونی و ناراحتی ملت ایران گردیده که شاهنشاه در مصاحبه شاهانه در سازمان برنامه‌بدان اشاره فرمودند آیا این عذر موجه است که گفته شود اینگونه مفساد دو طرف دارد یکی سر و جنب بدستگاه که نباید تمکن بکار فساد کنند و دیگری موظفین دستگاه نجاهل‌العارف و بی‌فرمائید، شخصی که می‌خواهد متزلزل را بفروشد زمین را بخرد و نیازمند به تهیه رو نوشت سند میباشد و یا ناچار به ارائه مفاصحا حساب شهرداری و یا پرونده مالیاتی است و هنگام مراجعه یکی از سازمانها، جواب سربالا میشوند و با امروز و فردا حواله داده میشود و بعد اینکه پرونده‌ات گم شده و بایستی چندی حوصله داشته باشی تحویل میدهند جز اینکه ناچار است مبارزه با فساد آنرا تقدیم دارد و از صمیم قلب از مرتشی نهایت تشکر را بنماید مگر چاره دیگری نیز دارد؟  
 جناب نخست‌وزیر، انقلاب سیاسی ما که در ۲۸

مرداد تحقق یافت و انقلاب اقتصادی ما که مکمل انقلاب سیاسی بود در ششم بهمن با رأی بیش از شش میلیون نفر جامعه‌ی عمل پوشید وقتی سیمای واقعی و حقیقی مملکت و نظر تهائی طراح و معمار دکترین ششم بهمن را نشان خواهد داد که فرمان شاهنشاه دائر بانقلاب اداری از حرف بعمل نزدیک شود، پشتوانه همه آن برداشت‌های عظیم در گرو انقلاب اداری است گفتن این حرف برای من نیز دردناک است، اما یک واقعیت تلخی است و این وظیفه سنگین بعهد شماس است که اجازه ندهید رواج فساد بمرحله‌ای برسد که بصورت اعتقاد عمومی در آید چندی پیش، جهت بازدید از یک شخصیت محترم آذربایجانی از یک تاجر بنام بتجارتخانه وی رفته بودم، اتفاقاً یک همشهری دیگر نیز وارد حجره شد و پس از تعارفات معموله رو بمن کرد و گفت:  
 آقای زهناب ملاقات شمارا بفالنیک می‌گیرم، کاری داشتیم در فلان وزارتخانه که امیدوارم بسرانگشت همت شما گره کار ما گشوده شود، پرونده‌ای داریم از ...  
 در این بین صاحب تجارتخانه که مرد معمر و ممتنی بود و گویا سابقه ذهنی نسبت باین پرونده داشت حرف‌های را قطع کرد و گفت:  
 بکرستان زحمت ندهید، همانطور که دیروز گفتم خودتان سر رفته قضیه را با مسالمت بند بیاورید، گفتم من در اختیاران هستم هر امری داشته باشید آن مقدار که از دست من ساخته باشد آماده‌ام.  
 صاحب تجارتخانه این بار با صراحت تمام خطاب بآن شخص گفت:  
 دیروز بشما گفتم و امروز در حضور آقای زهناب تکرار می‌کنم.  
 دلی جریمه و رر عاقل رشوه (خنده نمایندگان).  
 یعنی دیوانه جریمه می‌پردازد و عاقل رشوه و متأسفانه مردم گاهی با چنین صحنه‌هایی روبرو هستند این حرف، این تجربه تلخ، این نتیجه‌گیری، این اعتقاد و حشمتناک هیئت ولی حقیقت است عده‌قلیلی از آموزین، آنچنان بی‌پروا دست به غارت اموال عمومی زده‌اند، آنچنان بی‌محابا بحقوق عامه تجاوز می‌کنند که در هیچ

زمانی در چنین سطحی فساد وجود نداشته است، این دردناک است و لو خدای نکرده چندتنی پیدا شود باید برای ریشه کردن آن چندتن پرداخت. سه چهار روز پیش شهردار تبریز آقای دکتر شاهی، (دکتر غلامرضا عدل هم مسلک سابق شما) جناب غلامرضا خان عدل چه اصراری دارید بعضی مطالب گفته شود سکوت کنید عزیز من ماکه هنوز در کنار مطالب قرار داریم اتفاقاً آقای دکتر شاهی آدم پاک و متدینی است خوشو قسم که چنین مرد متدین پاک میدان. دادید ولی وقتی که وارد حزب شما شد این انسان تطهر می شود (یک نفر از نمایندگان - مردم انتخاب کردند) انجمن وابسته به حزب ایران نوین هم مسلکش را انتخاب کرد چهارده سال در حزب مردم درجا زد بالاخره به شما روی آورد تا توفیق خدمت پیدا کند.

سه چهار روز پیش شهردار تبریز، آقای دکتر شاهی، در جمع نمایندگان تبریز می گفت که فقط در نتیجه توجه بامر عزائم شهرداری از بلطهای سینما روزانه، توجه بفرمائید روزانه پنجاه هزار ریال اضافه درآمد عائد شهرداری شده است حتماً آقای غلامرضا خان عدل هم شنیده اند، این بان معناست که روزانه از هفت هشت سینمای درجه ۳ تبریز پنجاه هزار ریال بجیب زده می شد یعنی ماهانه ۲۵۰ هزار تومان و سالانه نزدیک بدویلیون تومان حالا اگر این دقت و ریزبینی را در سطح سینماهای ممتاز و متعدد تهران پیاده کنیم، در باند رول مورد دقت قرار دهیم، در تعداد مشروبات غیر الکلی بکار بیندیم، در برجسب کیرتتها مرعی کنیم آنوقت خواهید دید که ارقام غیر باور کردنی بجیب عده قلیلی سرازیر می شود.

فساد در بعضی از سازمانها، نیازی بمطالعه و بررسی ندارد، يك مأمور جزء قندوشکر ذره راغه دو میلیون تومان کسر انبار می آورد، و این کسر انبار، در جاهای دیگر نیز ملاحظه می شود، در حالیکه اگر يك مأمور سیار بعد از چندی باین انبارها سر بزنند و باز دید کنند خیلی زود جلو غارت اموال عمومی را می شود گرفته دیروز نامه ای از عده ای از اهالی سراب آذربایجان داشتم و شرحی نیز در این مورد به جناب مدیر کل ثبت اسناد نوشتم و انشاء الله چون نویسنده نامه من بودم کار این شکایت را به بونه فراموشی نخواهند انداخت زیرا

وقتی از طرف اقلیت شرحی، تقاضائی میشود آنچنان این شخصیت های عالی مقام دم از اصول و قنون و مقررات و مصالح عالی میزنند که نمونه آنها در گزارشی که راجع بتقاضای ثبت اسناد بناب کرده بودم ملاحظه نمودم و اگر این تقاضا از جانب یکی از گردانندگان حزب ایران نوین بود همه مقررات مثل موم در اختیار ایشان و تمایل ایشان قرار میگرفت و آن شکایت این بود که یکی از صاحبان دفاتر اسناد در معاملات اراضی شامل اصلاحات ارضی، سه برابر و گاه به پنج برابر اضافه بر مقرری دریافت کرده و در هیچیک از سندها نیز در محل تعیین شده مبلغ حق الثبت را یادداشت نکرده بلکه بخلاف خود در کنار سند مرقوم داشته اند.

اما دیروز نامه ای داشتم از بناب راجع باینکه ما مکرر می نویسیم معلم نداریم اما کسی جواب نمیدهد ما مکرر می نویسیم بودجه ما کم است کسی جواب نمیدهد ما مکرر می نویسیم ساختمان ما خراب است این جواب ندادن ها یعنی چه یعنی بی علائگی مسئولین نسبت بسامور مردم یعنی اینها خود را موظف بخواسته های مردم نمیدانند اما چرا نمیدانند اینجا است که من و شما هم عقیده ایم و شما هم تصدیق خواهید کرد و من این انصاف را دارم و این به شعور شما تحصیل کرده ها می رسد که ببینید چرا این کارمندان که اکثرشان هم کارمندان درستی هستند ولی شوق و علاقه بکار ندارند و این بخاطر برداشتی است که شما دارید که موجبات دل سردی آنها را عملاً فراهم میکنید وقتی کارمند دولتی دید کسی با عضویت در فلان حزب حاکم یا نزدیکی با فلان صاحب قدرت از فلان پست یا فلان مقام ترفیع پیدا میکند و حداقل از مزایای استخدامی آن پست بهره مند میشود آن یکی بخودی خود دلسرد بکار میشود و فقط دلش میخواهد صبح برود عصر تمام شود بعد آخر سر برود يك امضائی بپندازد و بایک نان بخور و نمیز زندگی کند این را مسئولین به این جور زندگی انداخته اند.

فساد در سازمانهای اداری منحصر باخذ رشوه نیست، موضوع امروز و فردا کردن قضیه موضوع مراجعه بدستگاههای مختلفه، موضوع بامضاء رساندن يك سند بچندین امضاء داستان طولانی است، کافی است جنابعالی

آقای نخست وزیر، يك امانت گمرکی داشته باشید. دوائی از خارج شما برسد آنوقت ملاحظه خواهید فرمود که لا اقل نصف روز وقت میخواهد تا آقا بتوانید امانت چند گرمی خود را دریافت دارید، تا چه رسد بدریافت رونوشت سند، مفاصاحساب شهرداری، عوارض، مالیات و تا چه رسد به تعقیب بعضی از پرونده های مربوط بدادگستری.

آقا میرود برای پرداخت مفاصاحساب، يك پولی گذاشته جیب می رود که دینش را بر دانه ای می رود آقا يك نگاه می کند زیرش يك امضائی میکند بعد میرود جای دیگر می رسد آقا کجا هست میگویند آقا اطاق مدیر کل است او آمده است میخواهد پول بدهد میگوید من چکار کنم که آقا نینسند بالاخره پیدایش میکنند میگوید عرضی با جنابعالی داشتم ایشان میگویند مگر نمیبینی دارم صحبت میکنم آقا مردم چکار کنند؟ گرفتاری دارند ماشینش را اینجا پارک کرده حالا صد تومان جریمه میزنند بالاخره باید بگردد وقت صرف کند که تازه راه و چاه را پیدا کند که بکی مراجعه کند این يك موردی است که مشکلات روز است و از مشکلات همگانی مردم این مملکت است انسان يك پرونده پیدا کند در دادگستری يك راه بیشتر ندارد و آن اینکه ولس کند موقعیکه باز نشسته شد بهترین مشغولیات است هم يك دیداری از همکاران میکند هم کاری انجام میدهد.

آیا اعمال نظارت حفظ نظم در امور، حسن انجام وظیفه، ارزشیابی کار کارکنان در فعالیت های مربوط بدستگاه نخست وزیر، بعنوان هدف بدان اشاره شده است همین است.

مسئله از کجا آورده ای من يك روز حضور اعلیحضرت عرض کردم و از کجا آورده ای راهم عرض کردم کجا است این مسئله از کجا آورده ای چه شد از قلم افتاد يك روز مأمور مجبور بود همه ساله ورقه ای را تنظیم کند و دارائی خود و کسان نزدیکش را هر سال گزارش کند تا اگر اضافه غیر معقولی در ثروتش مشاهده شد بشود پرسید از کجا آورده ای؟

آمدند برخلاف نظر اقلیت این قانون را لغو کردند سازمان بازرسی بوجود آمد که در مجلس گزارش شد که اوراق ثبت دارائی مأموران بان سازمان تحویل شده

است - سازمان بازرسی مأمورانی بایالات و ولایات فرستاد. در بعضی موارد قصورها را بتصیر هائی دیدند که در طی مصاحبه ها اعلام نمودند پرونده هائی تشکیل شد بمراجع ذیصلاحیت رفت؟ آیا تمام پرونده های ارجاع شده جز يك موردش که آنها متأسفانه بمحکومیت بکی از سرشناس های حزب اکثریت و دارو دسته اش منتهی شد پرونده های دیگر بجریان افتاد نه اگر جریان یافت، کارش بادعانه می رسد. نه اگر بادعانه می رسد به محکمه رفت. نه چرا؟ برای آنکه متصدیان دادسراها دادستانها باز پرس ها اعم از دادسراهای عادی یا متصدیان و کارمندان دادسرای دیوان کیفر پیش از آنکه در اختیار دیوان کشور باشند در اختیار قوه مجریه قرار دارند وزیر هر که و در هر دوره باشد عضو دولت و عضو قوه مجریه میباشد باز پرس دادستان قاضی ایستاده که باشاره ای ممکن است از محلی به محل دیگر بر تلب شوند طبعاً متسب بدستگاه دولت و بسته و وابسته بدولت و مجری امر دولت خواهد بود.

آیا با تزلزلی که در آن دسته قهرأ باید باشد و اعتمادی که در این دسته بحمايت اقویای دولتی و حزبی هست میتوان امیدوار بود که قدرت نیم بندی که نام ایستاده بر آن گذاشته شده حاکم بر قدرتی شود که میتواند ایستاده را بدوندگی و ا دارد حتی تاراهای دور - ایکاش در هدفی که امسال برای دادگستری نوشته شده است عنایتی باین امر میشد که قدرت قضائی دور از نفوذ و تأثیر ریاست و مرنوس قوه اجرائیه شود همین امر بر بسیاری از هوسهای اشخاصی که احتمالاً ممکن است مستضعف باشند لگام میزد و بتقوی فضیلت و خوش نامی کارمندان خوش نام و عادل و دانشمند دادگستری کمک کرد و قوت می بخشید.

در چند جلسه پیش بفرض همکاران محترم رسانده بودم که اعلیحضرت همایونی در یکی از جلسات هیئت دولت بالصرحه فرموده بودند گاهی اوقات می شنوم نسبت بمأمورینی که گزارش داده اند شهرت خوب ندارند یا مرتکب خلافکاری هائی شده اند تصمیمات ملایمی گرفته میشود فقط محل مأموریت آنها را تغییر میدهند اینگونه کارها به مسخره بازی بیشتر شایعت دارد - در این جا روی سخن با کیست روی سخن با کسانی

است که مدعیان نیت اعلیحضرت همایونی رهبر انقلاب را بیش از دیگران درک کرده اند - روی سخن با کسانی است که حق انجام وظیفه و نظارت بر نظم کار اعمال نظارت بر امور را بعهده داشته اند، روی سخن با حزب حاکم است که نه سال است تمام مراکز حساس مملکتی را اشغال کرده اند اینها هستند که ناراضائی های شاهانه را اصفا میکنند تذکر شاهانه را در هیئت دولت میشوند و در طی نه سال زمامداری حتی یکی از آن اوراق از کجا آورده ای را رونمیکند سهل است لایحه می آورند که اگر کسی فی المثل ده میلیون از جوجه بیت المال را بالا بکشند یا مبلغی بیشتر یا کمتر از آن را اختلاس کنند یا جوجه عمومی را از حساب عمومی بیرون برده و در حساب خصوصی خود یا اشخاص خاصی واریز کند و یا اینگونه درآمدهای غیر مشروع را از طریق قاچاق ارز بخساراج منتقل کرده در بانکهای خارجی ذخیره کند چنانچه دری به تخته خورد و محکوم شد فقط کافی است دوسالی حبس شود و بری الذمه شود و هر چه را که برده و خورده خواه یک میلیون یا بیست میلیون حلالش گردد، آیا اینست مفهوم مبارزه با فساد در کتب سیاسی شما.

بعد از لغو ماده مربوط به تنظیم اوراق دارائی و ثروت کارمندان، بعد از دادن اختیارات به برخی مسئولان برای انتقال مأموران از محلی به محل دیگر و حتی اختیار ترفیع پرونده داران انتقال یافته - بعد از تفویض اختیارات و اقتدارات اجرائی و قضائی با اعضا مجریه فقط این چنین لوایحی لازم بود که خیال بعضی هارا کاملاً راحت سازد تا هر چه میخواهند بکنند آیا دولت که در قبال تعهداتی اعتبارات سال ۱۳۵۰ را تحصیل کرده است

آیا حزب حاکم دولتی که نه سال است بر اکثریت تام ملت ایران که بحزب نبیوسته اند حکومت میکند اصلاح ادارات - حسن انجام وظایف - جلوگیری از حیف و میل بیت المال - ترویج تفاهم بین سازمانها و مردم - جنگ با مفسد را در تقدیم چنین لوایحی می داند؟

نوبت معتقد است که تشکیل شورای دولتی موجب بسط عدالت و تأمین عدالت و حفظ حقوق افراد در مقابل سازمانهای اداری کشور است ...

**ایلخانی پور** - اینتهه اقدامات اصلاحی دولت را نادیده میگیرید.

**زهتاب فرد** - بقول آذربایجانها، هیچ دخلی وار، بعد از انقلاب سفید ایران مکرر مردمیکه از تعدیات سازمانها بسطوه آمده اند و بهمه جا عریضه نگار شده و بمجلس نیز توسل جسته اند تقاضای مرجعی برای رسیدگی بشکایات مردم و دولت و سازمانها داشته اند - مکرر در همین مجلس ضرورت تشکیل شورای عالی دولتی گوژد شد، دولت دولت حزبی مجلس در دست حزب اکثریت، حزب حاکم اصلی و هدف و فلسفه اجتماعی و سیاسی حزب اکثریت یا حزب حاکم هم بلزوم تشکیل شورای دولتی فتوی داده است پس چرا نه سال است حزب اکثریت با وجود زمامداری، بسط و تأمین عدالت و حفظ حقوق افراد در مقابل سازمانها را معطل نگاهداشته اند و از تشکیل شورای دولتی خودداری میکنند (دکتر فروزین - صبح هم اینرا گفتید) از تکرار دردها متأثر می شوید شما که ذینفع نیستید بگذارید بچند بار گفته بشود.

چرا از تشکیل چنین شورائی قصور می شود؟ جواب را خود می گویم، اگر شورای دولتی تشکیل میبود نه سال یا مدتی کمتر فلان دستگاه یا فلان مسئول جرئت نمیکرد هزارها هکتار از منابع طبیعی را بین خواص تقسیم کند.

آنهم زیاد بود حد نصاب ده هکتار، آنهم بدون طرح، آنهم بدون آگهی و دعوت صاحبان سرمایه، اگر شورای دولتی تشکیل میبود هزارها هکتار جنگل با درختهای صدساله کمتر یا بیشتر نصب نور چشمهای فلان مسئول نمیشد که درخت آنرا قطع کنند و بفروشد و پول آنرا بدولت ندهند و حتی هزینه غرس نهال و صاف کنی و درخت افکنی و نرده بندی آنرا از بودجه دولت بپردازند، جنگل را منهدم، زمین را مسلوب المنفعه، بار خود را بار بکنند و ثروت ملی را بتساراج ببرند که اخیراً وزیر شرافتمند کشاورزی بیاید و بدون ترس از مسئولیت مشترک فقط بخاطر ورشعای وجدان اعلام کند که پیش از من درختهای

صد ساله را در جنگلهای تقسیم شده از بین برده اند بیائید یکبار تعهد وزارت منابع طبیعی را مرور کنیم: «تعهد بحفظ جنگلهای موجود و توسعه آنست» اگر شورای دولتی که تشکیل آن در وظیفه دولت در قبال تعهداتی که داشته است بوده وجود میداشت اراضی اوقاف بعنوان اجاره به بعضی از مقامات بالای حزب برگزار نمیشد که بهره برداری کنند و یک دینار بخزانه دولت پس ندهند که مسئول شرافتمند دیگری بیاید و اعلام کند در گذشته چنان بود و من چنین خواهم کرد و شایعه پرونده چندین ده میلیون تومان مورد استفاده آن بر سر زبانها نیافتاد و یا چنین شایعاتی و تشکیل پرونده در دیوان کتیر، همان مقام امروز در صندلی حساستری قرار گیرد، اعتبارات بسوجهای بدولت داده میشود که اعضا آن بوظایف قانونی خود قیام کنند.

مصاحبه معاون نخست وزیر و با سرپرست اوقاف که اعلام کردند چون نه قصدی دارم و نه بهره مند میباشم که خدای نکرده در صف آلودگان قرار بگیرم این را آقای آزمون یاد آور شده اند من نگفتم - (یکی از نمایندگان - که گفته؟) بخوانید روزنامه ها را (الموتی - شما در لابلای مطالبات خیلی اتهامات میزنید ورد میشود ماهیچ نمیگوئیم این درست نیست) من از این بیعدسی خواهم کرد بواشکی بخوانم بخشیدن عنوان دولت خدمتگزار بخدا خیلی آسان است ولی باید بخاطر داشت سی میلیون ایرانی وقتیکه خبر غارت منابع ملی شده و لو آنکه مختصر بیاشید از زبان مسئولان سطح بالا میشوند، وقتی جهش پرونده داران اداری را از شهری بشهر مهمتر و از مقامی بمقامات بالاتر می بینند وقتی که نطق های رادیو تلویزیونی و تبلیغات متحد وسائل جمعی را درباره ثبات قیمت ها میشوند و در عین حال دم بدم زیر بار افزایش بهای خدمات خسته و کوفته میشوند و شیر فر آورده دولت، کره فر آورده دولت، برق دولتی، تلفن دولتی و حبوبات و مرغ و گوشت و برنج در فروشگاههای دولتی بقول وزیر تعاون در سیر تصاعدی می بیند وقتی آمار اقتصادی ناطقین دولتی را میشوند و با آمار بانک مرکزی

که مرجع مهم ذصلاحیت اقتصادی است مقایسه کرده و اختلاف عجیب ارقام رامشاهده میکند نسبت بمفاهیم لغات خدمت و ضربت دچار شک میشوند دولت مدعی است هزینه زندگی ۲/۵ درصد و بانک مرکزی این رقم را ۵/۷ بالا میبرد و واقعاً آینده از صاحبان مقامات که سعی میکنند با جلوه های حساب شده با حساب نشده ناباوری مردم را افزایش دهند باید خدمتگزار شناخته شوند، خدمتگزار در برابر چه مقامی، چه سیاسی؟

گاهی بماخطاب میشود که اگر دولت خدمتگزار موفق نبود پس اینهمه کار در زمینه اقتصاد و فرهنگ کجا انجام میگرفت، این مطلب درست است منتها این مسئله هم قابل دقت است که دولت در ۸ سال گذشته با دو نوع کارروبرو بوده است وظایفی که قبل از انقلاب هم موجود و مستمر بوده است و وظایفی که بحکم انقلاب بر تکالیف گذشته اضافه شده است.

شکی نیست ۵۴۸ میلیارد و خورده ای خواه ناخواه بکم مقدار علائمی ایجاد میکند مردم حرفی در این کارهای انجام شده که ندارد شما فکر میکنید که مردم واقعاً متوجه نیستند آرزو غرض کردم به خیلی از آرزو های قرون ما جامه عمل پوشانیده شده این واقعیتی است در سطح مملکت ما به برداشته نمی رسیده ایم که واقعاً غرور انگیز است ولی در کنار این حرفها یک رقم ۵۴۸ میلیارد و نیم را در نظر بگیرید اگر من بمستخدم خودم مستخدم فرضی خودم بیست تومان پول بدهم که سوار سوار نهارم را و برآه کند آیا حق ندارم بگویم این بیست تومان را چه کردی فقط کافی است او بگوید که من خسته و کوفته از میدان ۲۵ شهر بورتا تخت جمشید بیش از دو کیلو نیم رقم سبزی خریدم بمبلغ یکصد ریال البته سبزی بقیمت یکسال پیش را میگویم چون نخریده ام سبزی و ماست و نان و این چیزها خریدم این حق است که شما بجای اینکه من را تشویق کنید مذمت کنید من باید بگویم دوست عزیز من حرفی نزد من گفتم بیست تومان بشما دادم چکار کردید اینها چیزها که خریده ای ۱۴ تومان وهفت ریال است خوب در ارجع به پنج تومان دیگر حق ندارم بیرسم اگر مردم معتزض هستند به چند دلیل است یکی اینکه خیلی از اینکارها باصطلاح خود شما در راه اولویت بکار میرود خیلی از

این کارها متمرکز در تهران شده این بیمارستانها در تهران این اسفالتهای شهری متمرکز در تهران امتیازات متمرکز در تهران تسهیلات اقتصادی تجار متمرکز در تهران اینها است که مردم اظهار ناراضی میکنند و الا کارهایی شده مافوق آرزوها مافوق تصور کارهایی که از ذهن ما نمیگذشت يك وقت بود تمیبات مردم در حد يك مدرسه بود يك دبستان بود وقتی هم که حاکم وقت فشار میآورد به اسم آن حاکم مدرسه را میساختند برای اینکه قانعش کرده باشند اهالی شهر تبریزك دکتر میخواستند امروز اهالی يك قصبه به يك دکتر قانع نیست به دبیرستان نه کلاسه قانع نیست به برق قانع نیست ما این خدماتتان را فراموش نمیکنیم اصلا مسئله این نیست که کاری نشده مسئله در این است که در کنار این کارها يك کارهای دیگری هم شده آن کارهایی که شده است شما میفرمائید ما تأیید میکنیم آن کارهای کناری را شما میدانید ما بیانش را بن میمالیم عنوان میکنیم.

در مورد اموری که قبل از انقلاب بر عهده دولت بوده است که از آن جمله است سازمانهای مسئول و موظفان سطح بالای اداری - بطوریکه بیشتر عرض کرده ام آنچه که موجود بوده است نه تنها بهتر نشده بلکه بی نهایت بدتر شده است که بهترین و عالیترین گواهی اظهار نظر شاهانه است و اخطارهای ملوکانه چه در هیئت دولت چه در مصاحبه مطبوعاتی.

در مورد مسائلی که بر اثر انقلاب پیش آمده است و قهراً وظایف را سنگینتر میکرده شاهنشاه و ملت ایران همه امکانات را برای سبک کردن کار در اختیار دولت گذاشته بود که بر اثر آن به پیشنهاد دولت وزارتخانه های تازه بوجود آمده و معاونی که دیگرنه برای وزیر منظور میشده چهار پنج و شش افزایش داده شد کارمندان متخصص اروپا و امریکا دیده با حقوقهای چشمگیر در اختیار گذاشته شد - اعتبارات چند میلیاردی از نفت و منابع دیگر تحصیل در دسترس دولت قرار داده شد - اختیارات انقلابی جز در مورد دادگاههای دیوان کبیر بوزیران و معاونان و مدیران کل حتی کارهای جور و اجور آب و برق و جنگل و مرتع - خشکی و دریا و غیره و غیره داده شد - مهمتر از همه عنایت بیدریغ شاهنشاه و حمایت نمایان مجلسین و

همکاری مجدانه همه مردم در باروز کردن انقلاب پشتیبان دولت بوده است معذک در طریق خدمتگزاری هشت سال آن کارها رخ داد که از زبان وزیر کشاورزی و منابع طبیعی جدید و سرپرست اوقاف و مسئولان دیگر اخیراً شنیده شده است.

اگر بنا میبود که مطالبی از این قبیل گفته شود صدها نکته در اختیار است که مصلحت نیست که از پرده برون آفتد شاید دولت در کار اصلاح بجزیران بیفتد و اگر باز روابط برضوابط ترجیح داده شود و درها بهمان باشند نارسائی بجزر خدیاب در مقابل نارسائی های مشهود و گواهیهای مستند مقامات مسئول باز نطق و خطابه در کلیات و يك سلسله شعارها و سیله ای برای کتمان حقیقت بشود البته اقلیت با طرح سؤالها و خواستن فهرست هایی از دولت و بحث درباره آن در مجلس علنی وظیفه خود را انجام خواهد داد.

بهر حال کسی منکر نیست که طرحهایی که مورد علاقه و نظر شخص شخص شاهنشاه بوده است و دولت هم ناچار با اجرای آن بوده است در سطح کشور پیاده شده البته پیاده شده منتها صحبت از نحوه اجرای عمل است که آیا در جریان اجرا از لحاظ انتخاب محل کار - دقت در محاسبه رعایت صرفه و تقلیل هزینه تا حداقل در انجام منظور، تهیه مقدمات برای احتراز از ضرر مقدر و خطر مقدر و جلب منافع بیشتر - کارهایی انجام داده اند قطعی خیر - آیا وقتی که مجبور با اجرای برنامه شده اند استخوانی لای زخم قرار گرفته یا نه آیا متوجه نشده اند یا نشده اند تا وقتی که ناگهان ملت ما را در مقابل يك اشتباهی حساب چند صد میلیونی قرار داده اند.

از جمله تأکیدات اعلیحضرت همایونی که در مصاحبهها و جلسات دولت و سازمان برنامه فرمودند ارتباط مراکز تولید با مراکز مصرف بود شاید دلیل چنین ارشادی بود که دولت مجبور شد موضوع ارتباط مراکز تولید و در عین حال مصرف آذربایجان و گیلان اعلام کند تا مواد تولیدی پنج میلیون آذربایجانی را بی بازار مصرف چهار میلیون گیلانی و مازندران برساند و هم چنین مواد تولیدی گیلانی و مازندران بی بازار مصرف پنج میلیون آذربایجانی راه یابد - سبب زمینی بیاز انگور

و سایر مواد تولیدی آنجا روی دست نمآند دچار ارز افزوشی نشود - برنج و حبصیر و گونی سایر محصولات اینجانب در انبارها را کد نمآند.

بر اثر آن اعلام از دو طرف شروع بایجاد راه شد در این مهان کار متوقف ماند موضوع راه هراز اولویت یافت سیصد میلیون چهار صد میلیون خرج کردند راه هراز را ساختند دلیلی که برای اینکار داشتند این بود که ده هزار یا ۳۰ هزار یا حداکثر صد هزار تهرانی در فصل گرما دو ساعت یا يك ساعت زودتر از راه چالوس راه فیروز کوه، راه آهن بکنار دریا میرسد.

تازه وقتی که تمام شد و بولها بمصرف رسید معلوم شد که اینراه حتی در خشکسالی ایران هم سالی ۹ ماه بسته است یا بخاطر همین برف یا بخاطر افکن سنگ های ریز و درشت که حالی در صدد افتاده اند راه دیگری با همان هزینه از ششم بسوی دریا بکشند البته این بار بخاطر توریست های هیپی و گیسو دراز که احياناً سوقاتی جیش هم همراه دارند انصاف میخواهم آیا راه اقتصادی نزدیک کردن دو منبع بزرگ تولید و مصرف مانند آذربایجان و گیلان شایسته اولویت بود یا راه تفریحی خوش نشینان معدود پایتخت بکناره های دریا.

ایرادی که میگیرند اشکالی که وارد است اعتراضی که میکنند در این قبیل موارد است شما بوجه مملکتی را میخواهید برای اینکه دو استان را زنده کنید استان آذربایجان و گیلان کشور را سرپا نگهدارید می آئید برای راه نفتن مردم خوشگذران تهران خرج می کنید این موضوع و موضوعات مورد نظر این است که برای مردم شهرستانها عقده ایجاد میکند (صحیح است) این مسائل مسائل پیش پا افتاده ای نیست ولی مسائلی است که متأسفانه کمتر بآن توجه می شود.

آیا راهی که هر سال مبلغی بین صد میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال خرج تعمیرش میشود و مانند پالان ~~محل~~ میگیرد در حقیقت برای آن ساخته نشد که بهانه ای بدست بدهد تا میلیونها ریالی که ممکن بود هر ساله برای ایجاد راه جدید یادانشکده جدید یاسد جدید در یکی دیگر از مناطق کشور بمصرف برسد: بعنوان تعمیر راه هراز یا راههای نظیر آن - از مخلوده خدمات آموزش

یا عمرانی خارج و جدا شود - آیا تشخیص تقدم خوشگذرانی صد هزار نفر بر بهبود اقتصادی دو استان پر کار و فعال را می توان چیزی از قبیل خدمتگزاری لقب داد.

اراده همایونی از بدو انقلاب معطوف بتوسعه دانش و دانشگاه در ایران بود دولت هم مجبور با احترام نسبت بآن اراده پس باید اینجا و آنجا دانشکده دانشگاه و مدارس عالی آموزش بنیاد میکرد و کرد منتها فاقد محتوی لازم و مناسب که بعد از هشت سال حکومت با اقتدار و اختیار اکثریت دولت اکثریت تازه رئیس جدید دانشگاه با احترام مسئولیت خطیری که بر عهده دارد اعلام میکند که دانشگاهها از لحاظ محتوی علمی ضعیف است و مطالعه برای غنی - کردن محتوی را لازم دانسته است این دانشگاه تهران است که گل سرسبد دانشگاههای ایران است که چنین است آیا اعتبارات در اختیار دولت قرار گرفته بود که هشت سال عمر دانش ملتی را در سطح نازل قرار دهد و نامش را خدمتگزاری بخوانیم.

این یعنی عدم توجه بدانگاه شما در اجرای اوامر اعلیحضرت بتوسعه دانشگاه متظاهر میشوید اما متأسفانه برنامه ای که میریزید برنامه ای نیست که نیازهای صنعتی، علمی، کشاورزی و اجتماعی فردای ما را جوا بدهد باشد شما آنچه توانستید آنچه خود ساخته بودید در تجلیل استاد دانشگاه مقدم شدید! شما اساتید برجسته دانشگاه را اساتیدی که برای مملکت افتخار آفرین هستند بایک سطر برکتی کردید استاد معظم گویا آقای پروفسور شمس بود چند روز قبل در تلویزیون یاد آور شدند که من شب مشغول تنظیم دروس فردای دانشگاه بودم که زنگ در زده شد و پیشخدمت با يك سطر امریه رئیس دانشگاه برکناری مرا اعلام کردند رئیس دانشگاه او را چنین از کار برکنار میکند بعد آقای دکتر نهاروندی بایک سه نظر وبا علاقه بدانش مجدداً این اساتید دانشگاه را بکار دعوت کردند که موجبات دل سردی استاد نخواهد بود چنین استادی میتواند با دلگرمی تدریس کند و تکیه شما مقام شامخ استادی را باین پایه میرسانید چه انتظاری دارید که دانشجوی برای چنین استادی ارزش و احترام قائل بشود این برداشتهای شماست که وادار میکند مردم بگویند شما ما مور پول خرج کردن هستید نه تحقق منویات اعلیحضرت همایونی

مگر یکی است مگر دو تا است من امیدوارم ناطقین در حمایت دولت ما را مستفیض خواهند فرمود لاقلاً بر اساس ارقام و مستندات ثابت کنند که وزیر کشاورزی سرپرست اوقاف رئیس دانشگاه رئیس سازمان بازرسی آن دیگر آن دیگر در گفتار خود اعلام خود صادق نبوده اند یا اشتباه کرده اند یا احترام کنند که دولت در هشت سال در دل خدمتگزاری چنین آثاری بجا گذاشته شده است.

اما درباره آموزش که امری است مستقل و پرورش که امر دیگری است مستقل من میل داشتم پیشنهاد کنم وزیر آموزش و پرورش گزارش های هیئت های پی گیری خود را بطور خلاصه در مجلس اعلام کند تا معلوم بشود آنها تا کی آموزش را، بمراتبی آنچنان تنزل داده اند و پرورش را تا حد قلب مهجازه البته مجاز از طرف مدیران منطقه ملوث کرده اند بکدام محکمه معرفی شده اند یا بچه مقام والائی ارتقاء یافته اند یا بگونه بدآموزیهاست که مزرعه مناسب برای رشد و نمو مفاسد اخلاقی اجتماعی و سیاسی بیار آورده است واقعا فردای وطن ما در دست چه کیسانی باید قرار بگیرد آیا آن کسان اگر در محیط بدآموزی قرار گیرند هر قدر هم آن محیط کوچک بود که باشد این بدآموزندگان فردا که داخل اجتماع شدند چه مفاسدی را بوجود خواهند آورد چه جواب میدهند؟ با توجه به چنین آموزش و پرورش و بادر نظر گرفتن مسئولیت سنگین که فردا بر عهده فرد ایرانی میگنارد - آیا سهل انگارهایی که محسوس است و مشهود است مخصوصاً در زمینه تعلیم و تربیت میتوان در کمونیات همایونی، یا خدمت و خدمتگزاری اسم گذاشت کمی این موضوع را بشکافیم و بروح برداشت آموزشی کشور آشنا شویم و به بینیم این برداشت باروح انقلاب شاه و مردم تطبیق میکند یا نه، اول موضوع آموزش را مورد مطالعه قرار دهیم.

در مورد آموزش و پرورش متأسفانه باید اذعان داشت که روشهایی که از جانب دولت بکار بسته شده است همگی موجب پدید آمدن نظام اجتماعی طبقاتی است که باروح انقلاب شاه و مردم منافات و مغایرت کلی دارد زیرا بموجب اصول این انقلاب هدف اساسی معطوف به الغای رژیم ارباب و رعیتی بوده است که جامعه‌ی

ایرانی را بدو طبقه ظالم و مظلوم تقسیم میکرد. قاعدتاً آنچه پاسداران چنین انقلابی در هر یک از شئون اجتماعی و از جمله مهمترینشان سیاست اجتماعی یعنی آموزش و پرورش معمول میدارند باید در مسیر انقلاب یعنی بدور از نظام طبقاتی و ایجاد دو طبقه متضاد ظالم و مظلوم باشد در صورتیکه چنانکه شرح خواهم داد همه‌ی برنامه‌های آموزشی خیر دهنده نظم طبقاتی برای آینده فرزندان ما خواهند بود.

اولاً در قالب کلی بودجه، بودجه‌ایکه با عنوان انقلابی از جانب یک دولت مدعی پاسداری انقلاب عرضه شده است فقط ده درصد از بودجه دولت که در حقیقت سه درصد از بودجه کل کشور را تشکیل میدهد بامر آموزش و پرورش اختصاص یافته است که این مبلغ نسبت بار قامی کارشناسان برای متخصصین بامر آموزش و پرورش حداقل صدی بیست از عوائد ملی را توصیه کرده اند در حدود چهل درصد بودجه آموزش ما کمبود نشان میدهد و این نموداری از توجه و برنامه دولت بامر توسعه آموزش لازم است باید توجه داشت که این کارشناسان بین المللی که چنین رقمی را توصیه کرده اند مطلقاً جنبه افراطی و انقلابی و موقعیت استثنائی ممالک مختلفه را در نظر نگرفته اند در صورتیکه ما در هدفهای اجتماعی انقلاب ایران را در مدنظر آوریم و بیاد آوریم که انقلاب آموزشی خود یکی از اصول انقلاب شاه و مردم را تشکیل میدهد جای آن دارد که در تخصیص اعتبارات نسبت به امر آموزش از مرز توصیه‌های کلرشناسان جهانی غیر انقلابی آموزش و پرورش تجاوز نماییم.

ممکن است گفته شود که دستگاههای آموزشی ما تحمل حجم اعتبارات بیش از این را ندارند و بجزارت دیگر چنانکه اعتبارات بیشتری بانان تخصیص داشته شود قدرت جذب آن را نخواهند داشت یعنی مثلاً نمیتوانند ساختمانهای مناسب در اختیار داشته باشند و یا تعداد لازمی از افراد واجد شرایط که بعنوان معلم بکار گیرند ندارند اتفاقاً سخن ما در همینجاست زیرا اگر شما نخستین بودجه دولت خود را تقدیم میکردید و چنین بهانه‌ای را بعنوان مینمودید شاید از شما پذیرفته میشد ولی در هنگام تقدیم هشتمین بودجه که در فاصله چهار سال از مدت اجرای

برنامه متجاوز از ۹۰۰ میلیارد ریالی برنامه چهارم را پشت سر گذارده‌اید دیگر نباید همچنین بهانه‌ای متعذر بشوید که هنوز نتوانسته‌اید برای اجرای برنامه‌های آموزشی تمهیدات لازم را فراهم آورید تا دست کم بتوانید اعتبارات لازم را لاقلاً بحدی که کارشناسان غیر انقلابی آموزش و پرورش توصیه کرده‌اند بکار گیرید.

چنانچه در مفاد برنامه چهارم آمده است در پایان این برنامه شما قادر خواهید بود ۵۰ درصد از اطفال لازم‌التعلیم روستاها را توجیه داشته باشید یعنی ۵۰ درصد از کودکان اکثریت جمعیت ملت ایران جمعیتی که متجاوز از شصت درصد را تشکیل میدهد، بمدرسها خواهد رفت و در قسمت جمعیت شهری این رقم بهشتاد درصد خواهد رسید بنا بر این توجه مفرمائید که حتی در پایان برنامه چهارم با این تحرکی که در سازمانهای آموزشی شما هست اکثریت کودکان لازم‌التعلیم از نعمت آموزش در سطح تعلیمات ابتدائی بی بهره است.

تا اینجا ملاحظه میکنید که صرفاً عامل عدم تحرك مسئولین امور در اجرای انقلاب آموزشی چگونه سبب محرومیت گروههای زیادی از دستیابی بنعمت سواد و آموزش ابتدائی میگردد ولی در سطوح بالاتر علاوه بر عامل عدم تحرك عوامل تبعیض آمیز اجتماعی این شکاف

را عمیقتر میکند، باین معنی که هنوز دولت انقلابی شما در مورد آموزش متوسطه در برنامه‌ای که بمجلس ارائه میدهد این عبارات را بکار میرسد؟ در مورد آموزش متوسطه نظری سیاست عمومی و آگداری تجدیدی آن تاجائیکه امکانات اجازه دهد ببخش خصوصی است.

بخش خصوصی یعنی چه؟ یعنی از این تاریخ دیگر این افتخار نصیب اکثریت حکومت اکثریت حزب ایران نمیشود بلکه باین برنامه‌ها و این برداشت دیگر طبقات پائین نتوانند دوره باصلاح فوق ابتدائی را طی کنند و بدانشگاه راه یابند؟ برای اینکه وقتی به بخش خصوصی واگذار کردید شما بهتر میدانید که حداقل حقوقیکه بخش خصوصی دریافت میدارد سالیانه ۱۵۰۰ تا ۳۵۰۰ و ۴۰۰۰ تومان است و برای کسانی که ماهیانه بیش از ۵۰۰ و ۶۰۰ تومان دریافت نمیکند تصور اینکه بتوان از خانواده‌شان حتی یک نفر را راهی دانشگاه و فرهنگ بالا

بکنند مقدر نخواهد بود (چند نفر از نمایندگان اقلیت آفرین - صحیح است).

معنی آن اینست تحصیلات در دوره متوسطه از برکت سیاست اجتماعی شما بدو نوع کاملاً متمایز تقسیم شده است یک نوع بنام مدرسه‌ی متوسطه دولتی که موجب قهر و بی‌لطفی شما قرار گرفته‌اند و بنا بقول خودتان خیال دارید در اولین فرصت، تاجائیکه امکانات اجازه دهد آنرا از سر خود باز کنید و به بخش خصوصی واگذار نمایند و نوع دیگر گرچه با امکانات دولتی تغذیه میشوند ولی نام مدارس خصوصی و پولی بر آن میگنارید و آن را بگروههایی که بتوانند شهریه‌های سال افزون آنرا بپردازند اختصاص میدید و این مرحله‌ایست که سیمای آموزش و پرورش را بسوی یک آموزش طبقاتی سوق میدهد، اینکه گفتیم از امکانات دولت استفاده میکنند یعنی از امکاناتی که در حقیقت اختصاص بیک طبقه خاص نمیتواند داشته باشد بلکه باید سود آن بایندهمگان گردد در اینجا فقط بتذکر یک مورد اکتفا میکنم تاجائیکه همه‌خبر دارید تاکنون هیچ دانشسرای خصوصی در این کشور وجود ندارد پس همه‌ی معلمها اعم از آموزگار و دبیر در دانشسراهایی تحصیل کرده‌اند که چه اعتبارات آن بوسیله دولت تأمین شده است.

شما آقایان محترم میدانید که سیاست دکان بفالی نیست که آدم هر روز تا عمر دارد صبح بیدار قفلش را باز کند و تا شب بنشیند و شب ببندد و شب برود و فردا صبح هم باز با کلمه بسم الله در را باز کند سیاست که تجارت نیست این دوره هستید دوره بعد احياناً از شما زیاد تر از ما کمتر نخواهد بود حساب این را بکنید که امروز امکان مالی دارید حساب بکنید که امروز در گروهی هستید که از نظر نزاکت سیاسی باید هماهنگی نشان بدهید مگر فرزندانتان از شما نمیرسند که برای فردای ما چه اندیشیده‌اید شما هر کلماتتان در سنی هستید که فرزندانتان شما را در اوقات بیکاری‌تان مورد سؤال و جواب قرار میدهند و میپرسند این دوره انقلاب سفید معنایش این بود که تحصیل در اختصاص و در یک طبقه بخصوص باشد؟ این از برکات انقلاب است؟ این از برکات افکار مشعشع حزب اکثریت است؟ که برنامه



تنظیم کنید که دبیرستانها را به بخش خصوصی واگذار کنید (خانم مهروش صفی نیا - صحیح نیست چنین کاری نشده شما که از همه چیز سررشته ندارید که راجع به هر موضوعی اظهار نظر میکنید) یعنی این جمله ای که من از آموزش و پرورش در بودجه برایتان خواندم که نوشته شده در حد امکان واگذار به بخش خصوصی خواهیم کرد جمله جعلی يك مقام وزارت و مندرج در بودجه مملکتی تان بود؟ (خانم صفی نیا - اینطور نیست بعد از دوره راهنمایی عوض میشود تبدیل میشود مدرسه راهنمایی ... بنده درباره این جمله حرف میزنم که میگویند دبیرستانها ... دوباره میخوانم جنابعالی سبب شدید که بنده موردی را که احتمالاً یادداشت نداشتم باشم عنوان کنم مسئله راهنمایی را متذکر شدید مسئله راهنمایی يك مسئله بسیار بسیار مهمی است که امروز دنیا بر این برداشت حرکت میکند و یکی از آرزوها و خواسته های هیئات منور مملکت این بود که همه محصلین طوری تحصیل بکنند که پشت میز نشین باشند آن توضیح من راجع به توضیح سرکار خانم وزیر بود که در گزارششان بود و اما اشاره فرمودید راجع به راهنمایی میدانید که وزارت آموزش و پرورش يك قسمت راهنمایی نیز تأمین ابتدائی و متوسطه سه سال قرارداد است که تشخیص بدهد استعدادها را اولاً اما اگر اشتباه نکنیم سرکار خانم فرهگی هستند و بهتر از من میدانند گویا در سطح مملکت بالغ بر ۲۰۰۰ دبیرستان داریم (عده ای از نمایندگان - دبیرستان درست است، دبیرستان - اشتباه عرض نکردم شما برای این ۲۰۰۰ دبیرستان کلاس راهنمایی میگذارید؟ (خانم صفی نیا - بله) برای این دو هزار دبیرستان (خانم صفی نیا - دبیرستان دوره راهنمایی ندارد) اینجا که از دبستان می آیند دبیرستان اول باید بروند دوره راهنمایی

رئیس - آقای زهتاب فرد خواهش میکنم جنابعالی مطالبتان را فرمائید بعد جواب میدهند.

زهتاب فرد - چون از بحث بنده خارج نبود ادامه میدهم این دو هزار دبیرستان که اسمش عوض می شود می شود راهنمایی حداقل نیازمند به دو هزار متخصص امر دارد (فرهادپور - بیشتر آقا) عرض کردم بنده حداقل را می گیرم همانطور که برای مدارس برنامه قبل از ظهر

و بعد از ظهر دارید برای این دوره تجدید نظر شده شما هم حداقل دو هزار نفر لازم داریم در حالیکه وزارت آموزش و پرورش مدعی است تمام متخصصینی که تا بحال دوره دیده و تربیت شده اند بیش از ۲۵۰ نفر نیستند دوم اینکه شما برای راهنمایی ابزار و آلات میخواهید کارگاه میخواهید مزرعه میخواهید اگر فرض بفرمائید شما در تهران چند کارگاه برای دوره راهنمایی داشته باشید تصور میکنید این کارگاههای مجبوز در شهرستانها هم در اختیار اینها قرار خواهید داد؟ مزارع نمونه در اختیار اینها قرار خواهید داد که اگر تشخیص دادید صدی چند اینها باید در رشته کشاورزی مطالعه کنند و درس بخوانند باندازه کافی زمین دارید و کارگاه دارید که در اختیار اینها بگذارید شما در سطح مملکت فقط ۱۵۰ دبستان حرفه ای دارید با این برداشت می خواهید انقلاب آموزشی بفرمائید؟ خواهید بخشید مسیر صحبت را خودتان علاقه داشتید یا بجا بکشاید. در نتیجه با پنج مایر سیم بطوریکه در گزارش دولت آمده است بیست درصد از دانش آموزان دوره متوسطه در بخش خصوصی بقول شما مشغول تحصیل هستند یعنی در واقع ارزنده ترین سرمایه ها و تجربیات آموزشی بخش عمومی را در اختیار گروهی قرار دادید که فقط باین سبب از این امکانات استفاده میکنند که دارای قبولی هستند در صورتیکه حق آن بود که این امکانات در اختیار بهترین استعدادها خواه شهری، خواه روستائی، خواه با درآمد خواه بیدرآمد قرار گیرد.

طبقاتی شدن تحصیل در مدارج بالاتر از همین تمهیدی که برای دوره متوسطه فراهم آورده اند آشکار میگردد زیرا اگر ظرفیت پذیرش دانشگاهها و مدارس عالی تنها هشت هزار نفر در نظر بگیریم و تعداد فارغ التحصیلان دبیرستانها رادر هر سال نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر بدانیم بنابراین از هر ۲۵۰ نفر شش نفرشان رفتن بدانگاه را خواهد داشت در صورتیکه شما اظهار داشته اید که بیست درصد در مدارس خصوصی درس میخوانند پس برای امثال این هشت محل دانشگاهی پنج نفر را و طلب که از مدرسه خصوصی بیرون آمده است وجود دارد که طبعاً بعلت امتیازاتی که تنها در اختیار آنان قرار داده اید شانس ورودشان بدانگاه از آن دو بیست نفری که از مدارس مورد کم لطفی دولت بیرون آمده اند بیشتر است.

در صورتیکه بطوریکه همه میدانیم امر آموزش و

پرورش گرچه ظاهراً بدوره های ابتدائی، متوسطه، عالی تقسیم میشود با بقول شما ابتدائی و راهنمایی و متوسطه و عالی، ولی در حقیقت در مجموع قابل انفکاک نیست و عدالت اجتماعی و موازین انقلاب ششم بهمن که آنهم بمنظور تأمین عدالت اجتماعی و ایجاد تحرک در شئون حیاتی کشور است حکم میکند که هر گونه امکان در امر آموزش و پرورش تنها بمناسبت استعداد فرزندان این سرزمین اعطاشود و در این انتخاب وضع در آمد خانواده ها بر خلاف سیاستی که شما اختیار کرده اید عاملی برای انتخاب باشد اشاره بوضع دوره راهنمایی کردیم که در این مورد لازم است بحثی داشته باشیم.

اولین اثر چشمگیر دوره راهنمایی شما اینست که مدرسه های خصوصی تنها بدلیل اینکه نام کلاس ششم سابق را سال اول راهنمایی گذاشته اند بر میزان شهریه های خود که هنوز معلوم نیست بر چه اساس و معیاری تعیین میشود دست کم میزان سی درصد افزوده اند ولی حال بیائیم و درباره مفهوم این دوره راهنمایی صحبت کنیم، شما چه برنامه هایی برای هدایت همان ۲۵۰ هزار فارغ التحصیل دوره های متوسطه در نظر گرفته اید که اکنون با این دوره های راهنمایی میخواهد را بسوی برنامه های خود سوق دهید.

گفتم که هشت هزار جای تحصیل دانشگاهی دارید فرض کنیم آنها را اگر چه چنین ادعائی نکرده اید تا ۲۰ هزار محل نیز افزایش دهید بقیه این ۲۵۰ هزار که تعدادی نزدیک ۲۳۰ هزار هست بکجامی خواهید هدایت کنید البته این حرف من بآن معنی نیست که همه ای آن عده را بدانگاه هدایت کنید ولی مسلم است که وظیفه دولت آنست که آنها را بشغل مفید راهنمایی کنید و این شغل مفید نمیتواند بدون عبور از یک دوره آموزشی تحقق پذیرد برای اینگونه دوره های آموزشی که باید اکثریت نسل جوان را در شرایطی قرار دهد که بتواند با کار خود برای اجتماع و برای خانواده خود مفید باشند چه کرده اید، ما گمان میکردیم که منظور از انقلاب آموزشی آنست که باینگونه پرسشها پاسخ داده شود اگر نتوانید موجبات راهنمایی جوانان را در مدت زمانی که بآن نام دوره متوسطه را داده اید فراهم آورید پس

آنها را بجه چیز میخواهید راهنمایی کنید تا این مقدمات فراغت نشود دوره راهنمایی شما جز تغییر نامی برای کلاس های ششم و هفتم و هشتم سابق و بهانه ای برای افزایش بیرویه شهریه مدارس خصوصی نخواهد بود.

باید بدانیم که دوره راهنمایی که یکی از برنامه های مترقی است نیازمند سه عامل اصلی و يك عامل نهائی است و بدون در نظر گرفتن این سه عامل، یعنی فقط ترجمه بولتنهای کشور های دیگر نمیتوان بمقاصد عالی آموزش اقتصادی و آموزشی سالم سازنده نزدیک شد این سه عامل عبارتند از:

تشخیص دهنده، هدایت کننده، عوامل تشخیص، عوامل اجرا.

اگر اشتباه نکنم در سطح مملکت در حدود ۲۰۰۰ دبیرستان داریم که ناچار باید اولاً حداقل برای هر دبیرستانی چند تشخیص دهنده، یعنی چند متخصص داشته باشیم که بدون آن، ادعای اجرای این طرح بمسخره نزدیکتر است شما حداکثر بتوانید بگوئید که ۲۵۰ نفر تشخیص دهنده در اختیار دارید که آنهم قطعاً متمرکز از تهران است.

فرض کنیم بجای ۲۵۰ نفر ۲۵۰۰ نفر تربیت کرده اید و اینان مدعی شدند که از این تعداد محصلین دوره راهنمایی مثلاً ۳۰۰ نفر در صنعت، ۵۰۰ نفر در کشاورزی، ۸۰۰ نفر در خدمات عمومی باشند آیا ابزار آلتیکه بعد از تشخیص استعدادها عملاً از آنها استفاده خواهند کرد در اختیار دارید، یعنی مزارع، کارگاهها، وسائل خدمات عمومی، ممکن است بفرمائید چنین امکاناتی دارید یا نه در حوزه انتخابیه کدامیک از آقایان چنین امکاناتی وجود دارد، شما میدانید بعد از اینکه بیل خودتان اینجارده بندی فرمودید و بعد عملاً هیچگونه وسیله مطالعه در اختیار آنان قرار ندادید فردا اکثر اینان از اینجا رانده و از آنجا مانده خواهند شد و باقیافه طلبکاری دولت را در فشار قرار خواهند داد و این برنامه مطالعه شده چه عقده ها بوجود خواهد آورد؟

شما تا چند سال پیش در سطح مملکت فقط ۱۵۰ مدرسه

حرفه داشتند آبا و اجداد را باین کارگاهها و مدارس حرفه‌ای سوق خواهید داد، مدارس حرفه‌ای در تمام شهرستانها و شهرها و حتی ایستگاههاست، آیا این تعداد کافی است اصولاً برنامه‌ای دارید که در چهره‌شدهائی بجه تعدادی نیاز دارید.

ما منکر اهمیت این برنامه نیستیم ولی چرا از حول حلیم بدیک افتاده‌اید، بهتر بود این برنامه در دایره محدود در نقاطی که امکان پیاده کردن آنرا داشتید بمرحله عمل در می‌آوردید و بعد سال بسال دایره فعالیت خود را گسترده تر میکردید و آنوقت قطعاً به نتیجه مطلوبه میرسیدید و الا باین برنامه‌ای که عجولانه تدوین و ترجمه و منتشر و پیاده کرده‌اید بعد از چند سال مملکت و جوانان مملکت را با مشکلات زیادی روبرو خواهید کرد.

در باره مطلب حساس دیگر یعنی پرورش، در این باره سخننهاداریم و کوتاه سخن آنکه وزارت آموزش و پرورش اگر هم برای خود وظیفه‌ای میشناسد تنها قسمت آموزش فرزندان این کشور است و در قسمت پرورش، جز پرورش جسمی آنها بصورت فوق العاده ناقص و غیر مفید، آنها منحصرأ در تهران و چند مرکز استان دیگر مطلقاً خویش را بوظیفه مهم و خطیر پرورش روحی آشنا نمیکند.

ما وزارتخانه‌ای داریم تحت عنوان آموزش و پرورش از شما انصاف میخواهم همه شما صاحب خانواده و عاقله و بچه هستید شما بگوئید که آیا وزارت آموزش و پرورش جز استفاده از کلمه آموزش بوظیفه پرورش نیز مقدم بوده است؟ برنامه‌ای دارد یا نه؟ به تحقیق بامختصر مرور به برنامه آموزش و پرورش کشور خواهیم دید آنچه از ذهن مسئولین امر نمیگذرد مسأله پرورش روحی فرزندان است و تا به این امر خطیر و مهم و حیاتی توجه نشود باصطلاح معروف در تمام رشته‌ها عرض منی کنم که رشته‌ها پشم است حداکثر توجهی که هست موضوع پرورش جسم است بصورت ناقص و متمرکز در تهران و چند استان در حالیکه قصدمان از وزارت آموزش و پرورش ایجاد کارخانه آدم‌سازی است نمیخواهم که کارمند بسازد ما میخواهم مغز اینهارا از اول بشوید مغز اینهارا سالم کنند مبانی ایمانی و اعتقادی را در اینها تقویت کند برای خیلی‌ها

این حرف‌ها گویا بک خرده ارتجاعی تلقی شود آشتیگی های امروز ما ناشی از عدم توجه به مبانی ایمانی فرزندان مملکت ماست اگر شما توانستید در مملکت و مردم بخصوص در فرزندان مملکت روح ایمان و پاک‌ی روح شرف و حیثیت روح ناموس دوستی را بیدار کنید روح وطن پرستی را بیدار کنید در تمام مراحل توفیق نصیب خواهد شد غفلت شما سبب شده که متأسفانه در چند سال اخیر بامهره‌هائی و روبرو می‌شویم که بظاهر از تجصیلات و لوازم نظر دیدن دوره‌های عالی تحصیلی بمرتبه بالائی نائل شده‌اند اما تو خالی است اما پایه فکری ندارد پایه ایمانی ندارد اگر پایه ایمانی داشت آن شخص که میخواهد باصطلاح خودش با دید سیاسی حکومت وقت مخالفت کند نمی‌آید چهار نفر بیگناه را با آن وضع خشونت آمیز و قبیح بکشاد اسمش را بگذارند انقلاب فکری این نیست مگر اینکه بگوئیم داخل این مغز معیوب است و علیل است مسئولین امر مطلقاً خودشان را متوجه این امر نمی‌کنند قبول داریم که بودجه آموزش و پرورش کم است عرض کردم که کارشناسان نظری داده‌اند ولی برای ما از آن مبلغ هم کمتر در نظر گرفته شده اما آنچه برای امر پرورش داخلی و روحی و جسمی فرزندان ما شده است چیست؟ نه تنها مسئولین امر در این باره غفلت کارند نه تنها مسئولین آموزش و پرورش گناهکارند اعتراف کنید که گناهکارند فرصتی است اعتراف کنید خطاب من اینجا خطاب به شما نمایندگان اکثریت و اقلیت نیست خطاب به ملت ایران است به تمام خانواده‌ها است اعتراف کنید که اولیای اطفال در این امر مهم حیاتی گناه نابخشودی مرتکب می‌شوند و در فکرش نیستند این تنها وظیفه پدر و مادر نیست که سینه جلوه دهد و بگوید که بسرم را بفلان مدرسه گذاشتم از بودجه‌ام از عایداتم میزنم بهر خون دلی باشد اورا میفرستم که درس بخواند این صحیح نیست که دلخوش باشیم بچه کوچکمان را در یکی از کودکستانهای عالی گذاشته‌ایم و بهترین وسائل را در اختیارش گذاشته‌ایم و پوشاک و پول توجیبی و همه چیز اورا تأمین کرده‌ایم و وسائل اعزام اورا باروپا تأمین کرده‌ایم اما از یک چیز غفلت کرده‌ایم و آن این است که ما فقط خواستیم یک آدم متخصص بازپروریم نه آدم با ایمان و انسان و آدم با عاطفه و آدم معتقد به ناموس و آدم معتقد بمملکت

اگر چنین بود روز بروز با این صداهائی که گاهی بگوش میرسد و باین مسائل که گاهی می‌شنویم مواجه نبودیم مسئولین خانواده‌ها انصاف نیست من در اینجا بدولت حقی می‌دهم همه تقصیرها متوجه دولت نیست عمده تقصیر متوجه پائین آمدن سطح معنویت طبقه جوان و خانواده‌های ماست، اکثرأ مشغولیاتی دارند ساعت‌های دیروقت منزل می‌روند و نمیدانند که آقا زاده کی بخانه می‌آید باکی بوده آقا زاده عصر کجا بوده این پول توجیبی را که می‌گیرد این پول توجیبی که می‌گیرد بجه مصرف میرساند این طرز پوشش یعنی چه گاهائی در حیرت می‌مانیم سیماهائی می‌بینیم که نمی‌فهمیم دخترند یا پسرند در تعجب می‌مانیم که پدر و مادر اینها چگونه اجازه میدهند که اینها سرسره‌شان بنشینند آیا این شد آزادی که ماندانیم و نفهمیم و نخواهیم بدانیم که فرزند ۱۴-۱۵ ساله ما چگونه پوششی داشته باشد کجا برود چه پارتی تشکیل بدهد اینها را دقت نمی‌کنیم اینهارا آزاد می‌گذاریم در حالیکه ما مسئولیت داریم از نظر دیگر خود وزارت آموزش و پرورش است وزارت آموزش و پرورش ندیدم و نشنیدم که لا اقل هزار چندی باین دبیرستانها و دبستانها شخصیت های صاحب نظر نه شخصیت های متظاهر و عوام فریب و مرتجع ولی شخصیت های روشن و مفید مملکت خواه و پای بند بفرستد و جوانهای ما را روشن به حقایق امر بکند آموزش و پرورش فقط وظیفه این نیست که برای مایک مشت آدم تحصیل کرده تربیت کند و صاحب دیلم و ورهه تحصیلی بار بیارود این درست نیست این برنامه ما را بجائی نمی‌رساند اگر هم رسید بآنجا خواهد رسید که اروپا را سانسیدل جوانهای عاصیشان را می‌بیند که بجه روزی افتادند می‌بیند که چه مفاسدی بیار آوردند و می‌آورند می‌بیند فساد به چه مرحله‌ای رسیده است که حتی در مرکز قانونگذاری چه قوانین موهن و شرم آوری را عنوان می‌کنند و ناچارند برای اینکه می‌گویند این مسائل حل شده است این مسائل باید گفته شود وزارت آموزش و پرورش تمام تلاشش را می‌کند تا تمام جوانها به مرحله‌ای از کامل ترین مراحل تحصیل برسند اما اگر خدای نکرده جوانان ما بی اعتقاد نسبت بمسائل مملکتی باشند بدردمی خورند بی اعتقاد

نسبت به مسائل مملکت و تاریخ و سنت اگر باشد این طبقه بدردمی خورد اگر یک خرده غفلت شود خدای نکرده من می‌ترسم وحشت دارم مایک طبقه‌ای را تربیت کنیم که ممکن است ضد کمونیست باشد اما مفهوم وطن زانمی داند ما ضد کمونیست نمی‌خواهیم ایران خواه می‌خواهیم (احسن) ممکن است ما بایک برداشت بجائی برسیم که در این مملکت خدای نکرده افرادی بر بخورند در هیئت حاکمه که اینها از نظر دید سیاسی مخالف کمونیزم باشند اما وطن خواه نباشند مملکت و تاریخ و گذشته افتخار آمیز ما نیازمند تربیت معلم دارد که بر مبانی محکم اسلام و بر تاریخ کهن این ملیت متکی باشد (احسن) نسبت باین مسائل ناچه حد فرزندان ما را وزارت آموزش و پرورش آشنا می‌کند تا چه حدود این ملاحظات در سطح بالا مورد توجه قرار بگیرد این سئوالی است که طبقات علاقمند به خانواده‌ها طبقات علاقمند به حیثیت خانواده‌ها و آینده مملکت از خود می‌پرسند. میدانید در گذشته‌های نزدیک این مملکت در یک رژیم فئودالیزی بود اکثریت مردم در فقر و فاقه بودند اما دو چیز داشتند که حساب آن دو چیز را با حساب هیئت حاکمه قاطی نمیکردند و آن مسئله مذهب و مملکت بود در تمام این حوادث مدافعین شجاع و مرزداران دلیر این مملکت آن عده از کسانی بودند که در اجتماع از بزرگترین محرومیت‌ها نصیب برده بودند اما وقتی که مملکت تهدید میشد اینها می‌فهمیدند که ناموسشان، معتقدانشان و ملتشان و مملکتشان مورد تهدید است باید نسل فردا را با علم و دانش روز ولی بر فبنای چنین زمینه محکم و ایمانی ملی بار بیاریم (احسن) در آموزش و پرورش حزب ایران نوین ناچه حد در این مورد مقدم بوده من نمی‌دانم شاید برای بعضی‌ها این بحث که پیش آوردم یک بحث سنگین تلقی شود غیر لازم تلقی شود انشاء الله در این مجلس نیست و اگر خنده‌هائی ضمن صحبت من با هم میکنند راجع ب موضوع دیگری است که همینقدر میتوانم اظهار تأسف کنم باین مطالب توجه کنند. انشاء الله به طرز تفکر من نمی‌خوانند اگر هم بخندند من افتخار میکنم، مسأله آموزش و پرورش مسئله مهمی است ارتباط مستقیم با یکایک خانواده‌های شما و افراد خانواده شما دارد در

این امر هیچگونه گذشت جایز نیست برداشت فرهنگی برداشت در سطح بالا برداشت فرهنگی و آموزشی مادر سطح مملکت ما برداشت علیلی است و مسئولین امر به نقض امر برداشت با صداقت تمام اعتراف دارند برداشت امروزی تغییراتی که حزب حاکم از نظر کلاسی ارزش ابتدائی و بعد که راهنمایی می‌رود بطوریکه به رضتان رساندم اگر مفیدم باشد فعلا در سطح مملکت غیر عملی است برداشتی را برداشتم که فردا مقدمات يك آشننگی دیگر يك نارضایی دیگر يك تورم دیگر برای مراجع به دستگاههای دولتی برای ما بوجود می‌آورد در امر تربیت جسم موضوع بنظر من خیلی ساده است واقعا اعتقلمن است که ساده است آن روزی که مملکت بودجه باین سطح نداشت آموزش و پرورش در سطح مملکت يك وضع آبرومندتری داشت ما وقتی در کلاس های ۳-۴ ابتدایی بودیم هفته ای یکبار معلمین ما را میزدند گردش کوه و بازی فوتبال در هوای آزاد امروز هیچ هزینه ای ندارد امروز شما می‌توانید برنامه‌های تنظیم کنید که جوانها را قدری راه ببرید خیلی آسان را بی حال بار نیآوریم آموزش پرورش جسمی را محدود بيك عده بخصوص نکنید ورزش باید عمومیت پیدا کند نه با تحمیل بودجه بلکه با يك ابتکاراتی که نیاز به تحمیل بودجه نباشد بعنوان مثال هم اکنون که حرف می‌زنم ميزم فکری از ذهنم گذشت فکر کردم اگر روزگاری روزی مسئول يك استان باشم این پیشنهاد را عملی می‌کنم بعنوان مثال ما در تهران بیش از پنجاهار قطعه زمین بیش از دو هزار متر داریم که صاحب آن آنها بدون استفاده انداخته که هر وقت قیمتش سر به جهنم زد زمین را بفروشد شهرداری يك شرحی بمالك زمین بویسد که شما بيك زمین پنجاهار متری در فلان نقطه دارید این زمین را اگر تا ۶ ماه ساختمان کنید حرفی نیست اگر ساختمان نکنید باید این زمین را در اختیار ما بگذارید يك مقدار اسباب بازی کودکان برای کودکان سن پائین یا بيك مقدار اسباب و وسایل ورزشی برای محصلین در آن زمین های پنجاهار- شش هزار متری با بودجه بسیار ناچیز نزدیک دبیرستانها و دبستانها تأمین بکنید و بودجه آن را از مردم بگیرد و همه استقبال می‌کنند و هر وقت مالك خواست زمین را

بسازد سه ماه قبل چهار ماه قبل به شهرداری اعلام می‌کند شهرداری بساطش راجع می‌کند این نه خرج دارد نه تابلو زدن میخواهد و نه يك چیز غیر عملی است مورد دیگر مثال دیگر ما میتوانیم از این زمین های ورزشی بصورت هفتگی مابین مدارس با اصطلاح آزاد بگذاریم بیابند از آنجا استفاده کنند چون این زمین هائی که داریم برای ورزشکاران متخصص و حرفه ای در اختیار آنهاست يك لحظه تأمل بفرمائید خواهید دید هر کدام چند تاسراغ دارید اکثر مدارس بخش های خصوصی که سالانه ۱۵۰۰-۲۰۰۰ تومان پول میگیرند متأسفانه فاقد يك زمین ۱۰۰۰ متری هستند آموزش و پرورش دقت کند من بعد هر بخش خصوصی هر مؤسسه ای خواست تشکیلاتی بوجود بیاورد حداقل برای پیاده رفتن چهارتا بچه و بازی کردن چهارتا بچه ۱۰۰۰ متر زمین را جزو شرایط قرار دهد در حالیکه اینها يك جنبه تجارتي را در نظر میگیرند چند اتاق چند طبقه ای راه میاندازند چند حسابدار آموزش و پرورش را با حسابهای دیگری که با هیأت حاکمه دارند با آنجا دعوت میکنند با تبلیغی که میکنند مؤسسه اقتصادی بزرگ نه تربیتی برای خودشان بوجود می‌آورند و این يك برداشت ناقص آموزشی است ...

**رئیس** - آقای زهتاب فرد از صحبت های شما خیلی باقیمانده است؟

**زهتاب فرد** - بله.

**رئیس** - ممکن است بقیه را در جلسه فردا بفرمائید

**زهتاب فرد** - بسیار خوب مانعی ندارد

**رئیس** - آقای دکتر آموزگار

**دکتر آموزگار** (وزیر دارائی) - جناب آقای رحیم

زهتاب فرد ضمن بیاناتی که بالهجه بسیار شیرین خودشان ایراد فرمودند نسبت به اینجانب اظهار لطف و سپاس خاصی فرمودند که چنین حس احترام متقابل در نهاد من نسبت به ایشان نهفته است (احسن) ولی با کمال تأسف به ارقامی استناد کردند که صحیح نیست و از لابلای صفحات بودجه با قرائت ارقام نتیجه گیری کردند که منطقی نبود و اظهاراتی در امور مالی و اقتصادی نمودند که اگر طبق نظر ایشان که خدا نکند نظر حزب ایشان باشد پیروی شود مملکت با رکود مواجه خواهد شد (صحیح است) یا

اجازه جناب آقای رئیس بطور اختصار باین مطالب پاسخ میدهم جناب ایشان فرمودند رئیس دارائی آمل و رودبار مالیات کشاورزی ۰/۵٪ اضافه بر سال گذشته وصول کردند و از طرف وزارت دارائی مورد توبیخ قرار گرفتند که چرا به ۰/۲۰٪ نرسید از کاشفی معاون وزارت دارائی خواستم که بلافاصله جلسه را ترک کند و تلفنی با رئیس دارائی رودبار و آمل تماس بگیرد و با ما موجود در مرکز مراجعه کند متأسفانه مالیات کشاورزی وصولی شهرستان آمل در سال جاری برابر ده ماهه سال پیش متجاوز از ۰/۵۰٪ کمتر از سال گذشته است و حتی جمع وصولی ده ماهه شهرستان آمل از تمام مأخذ مالیاتی هفده میلیون ریال در مقابل بیست میلیون ریال وصولی سال گذشته بوده بنابراین در حضور نماینده محترم از جناب رئیس محترم تقاضا دارم استناد به ارقامی که فرمودند ارائه دهند تا من سیه چرده سیه چرده تر شوم یا اینکه سیه روی شود هر که در او غش باشد (احسن) جناب ایشان که مطالبی را شاید نارسا بگویشان رسانده اند اجازه بفرمائید بگویم که مطلب ۰/۵٪ و ۰/۲۰٪ چیست سازمان بازرسی شاهنشاهی نامه ای به وزارت دارائی نوشت که رئیس دارائی آمل چون در چهار ماهه سال جاری نسبت به چهار ماهه سال ۱۳۴۹ ۰/۵٪ اضافه وصولی دارد که تشویق شود در موقعیکه این نامه بدست ما رسید ماه ششم سال بود دستور رسیدگی دادم متأسفانه در ماه ششم سال ایشان بیش از ۰/۲٪ کسری نسبت بسال گذشته داشت پاسخ بازرسی شاهنشاهی را دادم که اولاً مقایسه چهار ماهه با چهار ماهه صحیح نیست باید مقایسه سال بسال انجام گیرد مقایسه ۶ ماهه دارائی نشان میدهد که نه تنها ۰/۵٪ اضافه وصولی نداشته بلکه ۰/۲٪ هم کاهش دارد بنابراین مستوجب تشویق نیست با اضافه اعتقاد خودم این است مملکتی که در سال ۰/۱۴٪ رشد اقتصادی دارد مملکتی که با اعتقاد ایشان با خدمات شرکت ملی نفت ۷۰۰ میلیون اضافه در آمد پیدا کرده مالیات آن باید حدود ۱۵٪ تا ۲۰٪ اضافه داشته باشد بنابراین اگر من مأموری را بفرض ۵٪ اضافه وصولی داشته تشویق کنم پس

آن شخصی که ۲۰٪ اضافه وصولی داشته چه کنم بنابراین تشویق در وزارت دارائی باین آسانی نیست (احسن) این مطلب بعرض رهبر عالیقدر مملکت رسید و عریاض وزارت دارائی را تأیید فرمودند بنابراین جناب زهتاب فرد سئال ۰/۲۰٪ و ۰/۵٪ که نارسا خدمتان گفته اند حقیقتش این بود که عرض کردم (زهتاب فرد) پس تأیید کردید که نسبت به آن چهار ماهه است) فرمودید مالیات کشاورزی عرض کردم که ارقام را بیاورید که من سیه چرده سیه چرده تر شوم جنابعالی میفرمائید بسا وجدان خودتان کنکاش کنید جنابعالی هم بعد از این جلسه با وجدان خودتان کنکاش کنید که هم در انتقاداتی که کردید و در تعریفهایی که کردید آیا منصفانه بوده یا نه؟ اماراجع بدر آمد نفت فرمودید برداشت از سرمایه ملی عملی خطا است در کجای دنیا بحس سرمایه مجاز است؟ مفهوم توسعه یعنی بهره برداری از سرمایه توسط نیروی انسانی ماهر برای بهبود وضع زندگی مردم (آفرین) آیا جنابعالی میدانید در سال دوهزار میلادی ۵۰ درصد انرژی دنیا بسا نیروی انسانی تأمین خواهد شد آیا نظر جنابعالی اینست که منابع نفتی ایران محبوس بماند تا دیگر دنیا باین منابع نفتی احتیاج نداشته باشد آنچه دولت در ۷ سال گذشته انجام داد تبدیل این سرمایه بنوع دیگری از سرمایه ملی است یعنی بامنابع درآمد نفت سدها ساخته شد کارخانه ها ساخته شد لوله های نفت و گاز احداث شد آیا اینها بنظر جنابعالی سرمایه ملی نیست؟ آیا جنابعالی استحضار ندارید که ۸۰ درصد درآمد نفت صرف برنامه های عمرانی میشود؟ و برنامه های عمرانی این مملکت سرمایه های ملی این مملکت هستند (احسن) جنابعالی اشاره فرمودید که ارقام بودجه نشان میدهد که متجاوز از ۶ میلیارد تومان مالیات غیر مستقیم وصول خواهد شد و سه میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان مالیات مستقیم ارقام صحیح است از بودجه خواندید ولی متأسفانه نتیجه گیری صحیح و منطقی و معقول نبود با عرض معذرت توجه بفرمائید به ارقام مشابه به مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم در ۷ سال پیش که این دولت تصدی امور مملکت را به عهده گرفت در ۷ سال پیش نسبت مالیات مستقیم و غیر مستقیم يك به سه و نیم بود یعنی در مقابل یکریال مالیات مستقیم ۳/۵ ریال

برای يك ميليون و نیم نفر هم توسط دولت انجام بشود ؟ این معافیتها برای آن بوده که مرگم مانند سالهای پیش از تصدی این دولت سرمایه‌ها را خارج نکند آنچه شما اشاره فرمودید که افرادی آمدند و سرمایه‌هایی از بانک گرفتند و بردند و نتوانستند پرداخت کنند تا اینکه امروز بانک ملی ۶ کارخانه را مجبور بداره کرده شده است استعدا دارم رجوع بفرمائید و ببینند در کدام دولت بوده که این پولها داده شد و کدام دولت است که دارد این پولها را بزور پس میگیرد عرض دیگری ندارم و مجدداً از محبتی که نسبت به شخص من کردید تشکر میکنم (احست)

#### ۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان جلسه امشب را ختم می‌کنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح فردا موكول میشود دستور ادامه بحث در کلیات گزارش يك شوری بودجه سال ۱۳۵۱ کل کشور میباشد .

(ساعت هشت بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - عبداللہ ریاضی

مالیات غیر مستقیم گرفته میشد ارقام ۶ میلیارد و سه میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان حال نسبت يك به ۱/۸ است یعنی بار را از مالیات غیر مستقیم از دوش مردمی که شما مدافع آنها هستید برداشتیم و از ثروتمندان گرفتیم بجای اینکه اشاره کوچکی به خدمات وزارت دارائی بکنید عمل چند کارمند را در نقاط دور افتاده در مقابل ۱۲۰۰۰ خدمتگزار صدیق و جوان وزارت دارائی زیر ذره بین میگذارید و بقیه خدمات را نادیده میگیرید آیا این منصفانه است بوجدان خودتان و اگذار میکنم مطلب دیگری که فرمودید راجع به معافیتهاست که دولت در قانون مالیات بردرآمد به بخش خصوصی داده و بدنبال آنست که بخش خصوصی را تقویت بکند جناب زهتاب فرد میدانید که جمعیت کشور ما ۲/۵ تا ۳ درصد در سال اضافه میشود و این رقم ۸۰۰ هزار نفر در سال است همانطور که اطلاع دارید در حدود ۳۰۰ هزار نفر به بازار کار وارد میشوند در برنامه ۵ ساله در حدود يك میلیون و ۵۰۰ هزار تا يك میلیون و ۸۰۰ هزار شغل جدید باید ایجاد شود دولت زیر پر پرداخت حقوق ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار کارمند و وامانده انتظار داشتند ایجاد شغل